

نایب عجب

حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
از مجموعه کتاب‌های "نمی از یم"

حسن صفرزاده تهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نایب‌العین

حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
از مجموعه کتاب‌های "نمی از یم"

نویسنده: حسن صفرزاده تهرانی
گردآوری: اکرم ویسی
ویراستاری و صفحه آرایی: زینب کاشف
طراح جلد: محمد صفرزاده تهرانی
به اهتمام: مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت
صبح روشن

شهریور ۱۴۰۲ - ایام اربعین ۱۴۴۵

www.dla.ir

سرشناسه : صفرزاده تهرانی، حسن، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور : ناجی جهان حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نویسنده حسن صفرزاده تهرانی؛ گردآوری اکرم ویسی؛ به اهتمام موسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن.

مشخصات نشر : اصفهان: فرهنگستان اندیشه، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۸۴ص.

فروست : ... مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم".

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۲۰-۶۳-۳

یادداشت : کتاب حاضر با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش‌های بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عج) به چاپ رسیده است.

موضوع : محمدین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

شناسه افزوده : ویسی، اکرم، ۱۳۶۶-، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه قرآن و عترت صبح روشن

شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عج). دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی

رده بندی کنگره : ۵۱۵BP

رده بندی دیویی : ۹۵۹/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۹۳۷۳۵۲۷



این کتاب با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش‌های بنیاد فرهنگی بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به چاپ رسیده است.

عنوان:	۴۴:	مسلل:	۵۳:
عنوان کتاب:	ناجی جهان		
مؤلف:	حسن صفرزاده تهرانی		
ناشر:	فرهنگستان اندیشه		
تدوین:	محمد سعید صفرزاده تهرانی		
مدیر تولید:	محمد رضا ملکی‌ها		
ویراستاری، ارجاع دهی، عنوان‌بندی و صفحه‌آرایی:	زینب کاشف		
طراح:	محمد صفرزاده تهرانی		
تعداد صفحات:	۸۷ صفحه / قطع رقعی		
نوبت چاپ:	چاپ اول / ۱۴۰۲		
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد		
بهاء:	۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال		
به اهتمام: مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن دفتر مرکزی	اصفهان/ خیابان کاوه/ خیابان شهید دکتر باهنر/ ابتدای خیابان آیت الله خادمی		
تلفن:	۰۹۱۳۴۲۵۰۲۷	۰۹۱۳۴۲۵۱۴۷۴	۰۲۴۳۳۷۸۲۷۳۲
	baghyatallah@chmail.ir		

تقدیم به پیروان راستین امام زمان

و منتظران واقعی

خاصه رهبر کبیر انقلاب اسلامی

و شهدای مسیرِ ظهورش

در حقیقت منتظر واقعی
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است
که نزدیک به ۱۲ قرن، منتظر است
تا این آمادگی در پیروانش بوجود آید.

بجای این که دنبال علائم ظهور بگردیم
نهایت سعی و تلاش خود را برای اصلاح خود
و برای یار واقعی شدن
و برای شایستگی بکار ببندیم

انتظار فرج، یک عمل است.
یعنی مقدمات فرج و ظهور را با عمل فراهم نمودن.
اگر برای ظهور باید آموزش دید، آزموده و خیره شد، تمرین کرد، کادر
سازی نمود و یا باید مبارزه کرد؛ همه منتظران باید در دایره فردی،
گروهی و حکومتی آن را انجام دهند.

فهرست

۹	پیش گفتار
۱۰	مقدمه
۱۴	بخش اول
۱۴	ميلاد امام زمان
۱۴	مقدمه
۱۵	داستان ميلاد
۱۹	بخش دوم
۱۹	سيمای امام مهدی در قرآن کریم
۱۹	آیه یک: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
۲۰	آیه دو: أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ
۲۱	آیه سه: مَا مَعِينٍ
۲۲	آیه چهار: إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا
۲۲	آیه پنج: وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً
۲۳	آیه شش: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ
۲۳	آیه هفت: لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
۲۴	آیه هشت: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
۲۴	آیه نه: وَالْعَقَبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
۲۵	ده: لَيْسَتْ خُلِقَتْهُمْ فِي الْأَرْضِ
۲۶	یازده: يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ
۲۷	دوازده: رُكِّنْ شَدِيدٍ
۲۸	بخش سوم
۲۸	غیبت امام زمان

۲۸ مقدمه
۲۹ علل و عوامل غیبت
۳۰ اوّل: آزمایش مسلمانان در پایبندی و پایداری به دین
۳۱ دوّم: آزادی امام مهدی از بیعت طاغوت‌های زمان
۳۳ سوّم: حفظ جان حضرت امام مهدی
۳۳ چهارم: عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی
۳۴ پنجم: بی‌توجهی به واقعه غدیر
۳۷ ششم: آماده نبودن یاران
۳۹ امروز کسانی می‌توانند امام زمان را یاری کنند که:
۴۱ بخش چهارم
۴۱ انتظار فرج حضرت امام زمان
۴۱ گروه اول: نشسته به انتظار
۴۴ گروه دوم: آماده به انتظار
۴۴ گروه سوم: یار منتظر
۴۶ بخش پنجم
۴۶ منشور اخلاقی انتظار فرج
۴۶ مقدمه
۴۸ اوّل: شیفته دانش و معرفت
۴۸ دوّم: دین باور
۴۸ سوّم: متدین
۴۹ چهارم: متعهد
۴۹ پنجم: متعبد
۵۰ ششم: مخلص
۵۰ هفتم: وارسته

۵۰ هشتم: متعادل
۵۰ نهم: عزتمند
۵۱ دهم: تسلیم
۵۱ یازدهم: بصیر
۵۱ دوازدهم: انقلابی
۵۱ سیزدهم: آمر به معروف
۵۲ چهاردهم: کاردان، آزموده و خیره
۵۲ پانزدهم: مسئولیت پذیر
۵۲ شانزدهم: خودساخته و مهذب
۵۳ هفدهم: آماده
۵۳ هجدهم: منتظر واقعی
۵۴ بخش هشتم
۵۴ تمدن مهدوی و حکومت جهانی حضرت مهدی
۵۵ مقدمه
۵۶ مدینه فاضله مهدوی و جامعه آرمانی اسلام
۵۸ در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی
۵۹ انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی
۶۳ بخش هفتم
۶۳ پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی
۶۳ مقدمه
۶۴ مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی
۶۴ اول: سرمایه‌های انسانی آماده
۶۴ دوّم: هم صدایی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)
۶۵ سوّم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان

- چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه ۶۵
- پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی ۶۶
- ششم: نمونه قابل ارائه ۶۶
- بخش هشتم ۶۸
- آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر شده است ۶۸
- منابع ۸۶

پیش گفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کتاب "ناجی جهان" در ۸ بخش به موضوعاتی از قبیل: داستان میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیمای امام زمان در قرآن کریم، عوامل غیبت، عوامل طولانی شدن غیبت، انتظار فرج، منشور اخلاقی انتظار فرج، مشخصه‌ها و شایستگی‌های منتظر واقعی، وظائف منتظر واقعی، زمینه‌های ظهور، تمدن مهدوی و مصلح جهانی، حکومت جهانی آن بزرگوار پرداخته است.

کتاب "ناجی جهان" از مجموعه کتاب‌های "نمی از یم" به قلم دانشمند ارجمند حجت الاسلام و المسلمین حسن صفرزاده تهرانی، تدوین و به اهتمام مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن و با حمایت مالی و معنوی خیر محترم، منتشر شده است و به عاشقان و منتظران و یاران واقعی حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که برای کسب شایستگی، تلاش می‌کنند و آماده جانفشانی برای ظهور هستند، تقدیم می‌گردد.

مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

شهریور ۱۴۰۲ _ ایام اربعین ۱۴۴۵

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بقية الله الاعظم حضرت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف خطاب به پیروان: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛^۱ اما در رویدادها و پیشامدهایی که رخ می‌دهد، باید به راویان حدیث و «علما» مراجعه کنید، زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان هستم. در راستای اجرای فرمان امام زمان عجل الله تعالى، همواره عالمان دین در مراجعه مردمان و انجام وظیفه خطیر پاسخ گویی به مردمان پیش قدم بوده‌اند و نهایت سعی و تلاش خود را بکار گرفته‌اند. و اضافه بر این وظیفه خطیر، عالمان دین برای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی، در مقابل طواغیت زمان خود ایستاده و مردم را در مبارزه بر علیه طواغیت زمان، دعوت و هدایت کرده‌اند.

بر این اساس آن چه مبارز خستگی ناپذیر، سید جمال الدین اسدآبادی، در مبارزه با استعمار و اسباب عقب ماندگی جامعه اسلامی انجام داد و جهان اسلام را به خیزش علمی و پایداری در برابر استعمار غرب فرا خواندن و آن چه آیت الله حاج سید محمد حسن حسینی معروف به میرزای شیرازی، بخاطر دفاع از کیان اسلام و مسلمین، در مقابل استعمار انگلیس ایستاد و فتوای تحریم تنباکو را صادر فرمود:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۴.

«بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است»، همه در راستای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی بوده است.

و آن چه آیه الله حاج سید محمد کاظم یزدی، در دفاع از کیان اسلام و مسلمین، بر علیه اشغال کشورهای اسلامی خاصه عراق و ایران در جنگ جهانی اول، فتوای جهاد داد: «بسم الله الرحمن الرحيم، بر عموم مسلمین واجب است از بذل جان و مال در راه اخراج قوای روس و انگلیس از ایران، هیچ فروگذار نکنند» و در این راه فرزند بزرگوارش حضرت آیت الله حاج سید محمد طباطبائی یزدی در حمله سختی که به قوای انگلیس شد به شهادت رسید، در همین راستا بوده است.

و آن چه آیه الله حاج میرزا محمد تقی شیرازی، میرزای دوم، پس از جنگ جهانی اول بر علیه استعمار انگلیس قیام کرد با فتوای حرمت حکومت غیر مسلمان به مسلمانان را صادر کرد و لرزه بر ارکان حکومت استعماری انگلیس افکند و با فتوای جهاد فصل جدیدی در مبارزات مسلمانان بر علیه استعمار و اجانب گشود، در همین راستا بوده است.

و آن چه حضرت آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی در جنگ جهانی اول و دوم، در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، در نهضت مشروطه و در مبارزه با استعمار و استبداد پهلوی به عنوان خط شکن نبرد علمای شیعه ایستاد و سرانجام با تلاش و فداکاری این عالم بزرگوار آرزوی دیرینه ملت ستمدیده ایران، به ثمر نشست و صنعت نفت ملی شد و دکتر مصدق به نخست وزیری رسید و یا حضرت آیت الله سید حسن مدرس با شعار «سیاست ما عین دیانت ماست» به میدان آمد و با نطق های کوبنده و آتشین با استعمار انگلیس و روس و استبداد شاهنشاهی مبارزه کرد و در نهایت جان شریف خود را بر سر این راه نهاد و به دست عوامل رضا شاه به شهادت رسید، همه و همه در راستای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی بوده است.

آری سال‌هاست که مصلح و منجی بشریت و جان جهان منتظر است تا با مردانی شایسته در تراز جهانی ظهور کند و وعده الهی را در تحقق مدینه فاضله محقق سازد. مردانی که در سایه سار قدرت الهی و با آمادگی کامل در مسیر ظهورش قیام کنند.

حضرت امام خمینی یکی از آن مردان الهی است که تربیت یافته مکتب امام زمان است، آن بزرگوار در همین راستا بپا خواست تا به نمایندگی از ناجی بشریت، تاثیر ذره کوچکی از قدرت امام عصر را به منصفه ظهور بکشد و به جهانیان ثابت نماید که می شود با انتظار صحیح، در مقابل تمام مستکبران به ظاهر قدرتمند عالم ایستاد و جهان را برای پرچمداری صاحب العصر و الزمان، آماده ساخت.

مرجع عالیقدر جهان اسلام و تشیع، حضرت امام خمینی، به عنوان یار واقعی و منتظر حقیقی، با درک صحیح از فرمان امام زمان، در تراز جهانی قیام کرد و انقلاب اسلامی را برای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی رهبری کرد و به پیروزی رساند.

حضرت امام خمینی، با انقلاب اسلامی، به همه نشان داد که «آمادگی برای ظهور» چگونه است و یاران و منتظران چگونه باید در تراز جهانی، زمینه ساز ظهور منجی و مصلح بشریت باشند.

بر این اساس است که حضرت امام خمینی کشور را، کشور امام زمان می خواند و انقلاب اسلامی را زمینه ساز ظهور می شمرد و می فرمود: «امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر سلام الله علیه»

و از آن بالاتر و مهمتر کشور و انقلاب را در حمایت و عنایت امام زمان می خواند و می فرمود: «امروز سایه اسلام روی سر شماست؛ امام زمان به شما نظر دارد، پیغمبر اکرم به شما نظر دارد، خدای تبارک و تعالی پشتیبان شماست... روی موازین مادی، روی موازین عادی باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم. باید همه ما یک لقمه آنها باشیم! لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر سلام الله علیه شما را پیروز کرد.»

و به همین دلیل معمار کبیر انقلاب اسلامی جشن میلاد آن امام
همام را، بزرگترین جشن برای جهانیان می‌دانست و می‌فرمود: «باید
بگوییم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی سلام الله علیه،
بزرگترین عید است برای تمام بشر».

پس بیاییم برای ظهور، شایسته‌ترین یار و بهترین منتظر باشیم و
با آمادگی کامل برای زمینه سازی فرج و ظهور، همه یک‌پارچه قیام کنیم
که این تنها وظیفه علما و بزرگان نیست بلکه وظیفه همه ما است و
باید دغدغه همگانی شود.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته

محمد سعید صفرزاده تهرانی

شهریور ۱۴۰۲ _ ایام اربعین ۱۴۴۵

بخش اول میلااد امام زمان مقدمه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشهور به مهدی موعود، ملقب به قائم آل محمد، دوازدهمین و آخرین امام شیعیان، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا، دیده به جهان گشود و در سن پنج سالگی، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، به امامت رسید.

امام زمان همچون حضرت عیسی و حضرت یحیی که در سنین کودکی عهده‌دار نبوت شده بودند، «آتاهُ اللهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۲ در پنج سالگی، منصب امامت شیعیان را عهده دار شد.

امام زمان به استناد آیات و روایات؛ دارای بیش از ۳۰۰ اسم و لقب است که هر یک بر بُعد خاصی از شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و روحی آن حضرت دلالت دارد. اسامی و القاب مشهور امام زمان عبارت است از: مهدی، قائم، حجت، منتظر، موعود، بقیة‌الله، حجت‌الله، ولی‌الله الاعظم، خاتم‌الاولیاء، صاحب‌الزمان، صاحب‌الامر، صاحب‌العصر^۳.

۲. سوره مریم، آیه ۱۲.

۳. الطبرسی النوری، نجم ثاقب در احوال امام غایب، ج ۱، باب الثانی.

داستان میلاد

ملیکا نوهی دختری شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می گوید: پدرم قیصر پادشاه روم، خواست که مرا به عقد پسر عمومیم در آورد؛ مراسم جشنی بر پا کرد و از حواریون عیسی و علمای نصاری و صاحبان منزلت و سرداران و سرکرده‌های قبائل بی‌شمار دعوت نمود. در آن مجلس با شکوه، هنگامه عقد، تخت پادشاهی و جایگاه مراسم به یکباره فرو ریخت و میهمانان از ترس جان خود گریختند و کشیشان ناتوان از اجرای عقد متحیر ماندند و مجلس بهم خورد.

بعد از مدتی من شبی حضرت مسیح علیه السلام و جدم شمعون وصی آن حضرت و جمعی از حواریون را در خواب دیدم که در مجلسی مجلل با منبری سر به فلک کشیده از نور، جمع شده بودند. ناگاه جمعی نورانی وارد مجلس شد، حضرت مسیح و دیگران برای تعظیم و اجلال به استقبال آنان درآمدند. آن جمع نورانی حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیای آن حضرت بودند.

بعد از آن که مراسم استقبال به خوبی صورت گرفت، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت مسیح علیه السلام فرمود: یا روح الله آمده‌ایم تا ملیکا فرزند وصی تو شمعون را برای فرزندم خواستگاری کنم، آن گاه به ماه برج امامت و ولایت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اشاره نمودند. سپس حضرت مسیح به وصی خود شمعون فرمود شرف دو جهان به تو روی آورده است، نسل خود را به نسل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند زد و شمعون پذیرفت.

آنگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر آن منبر نورانی برآمد و با حضرت مسیح خطبه انشا فرمودند و مرا به عقد امام حسن عسکری علیه السلام در آوردند و در آن هنگام من از آن رویای صادق

بیدار شدم ولی از آن خواب که گنجی گران بها بود با کسی سخن نگفتم
اما آتش محبت آن خورشید امامت روز به روز در کانون سینه‌ام
مشتعل می‌شد و سرمایه‌ی صبر و قرارم را می‌ربود.

مدتی گذشت شبی در خواب، حضرت مریم را با هزار حوری
بهشتی دیدم که بانوی بزرگواری را خدمت می‌کردند همه به دیدنم
آمدند آنگاه حضرت مریم سلام الله علیها آن بانوی مجلله را معرفی
کرد: او سیده‌ی زنان عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها مادر شوی
توست. اشك چشمانم را فراگرفت به دامانش افتادم و از رنج فراغ
فرزندش شکایت کردم آن بانوی مجلله فرمود: چگونه فرزندم به دیدن
تو آید و حال آنکه به دین مبین اسلام مشرف نشده‌ای؟ آنگاه آن بزرگ
بانو در این رویای صادق مرا به دین مبین اسلام دعوت نمودند و با
اشارت آن حضرت شهادتین را به زبان جاری کردم: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». پس از اقرار به شهادتین حضرت
مرا به سینه خود چسبانید و دلداری داد و من از رویای صادق بیدار
شدم و در بیداری کلمه طیبه شهادتین را مرتب به زبان می‌راندم و در
خواب همواره به دیدار آن امام همام مشرف می‌شدم.

ایام بدین منوال گذشت تا آنکه حادثه‌ای پیش آمد و سفیر امام
هادی علیه السلام بشیر بن سلیمان از نوادگان ابوایوب انصاری و از
شیعیان خاص آن بزرگوار، نامه آن حضرت را که به خط رومی و به
مهر آن حضرت مزین بود، به من داد و مرا به خدمت آن حضرت در
سامرا در آورد و امام هادی پس از نام‌گذاری من به نرجس، مرا به
دست خواهرش حکیمه سپرد تا از واجبات و سنت‌های دین بیاموزم و
پس از آن مرا به ازدواج فرزندش امام حسن عسکری درآورد.

حکیمه خاتون می‌گوید: شبی به دیدن امام حسن عسکری علیه
السلام مشرف شدم، حضرت فرمودند نزد ما امشب بمان در این شب
فرزندی متولد خواهد شد که به اذن خدا زمین را به علم و ایمان و
هدایت مزین نماید و بشریت را از ضلالت و کفر و الحاد رهایی بخشد.

حکیمه خاتون می گوید: من هیچ اثری از حمل در حضرت نرجس ندیدم لذا متحیر ماندم آنگاه آن بزرگوار فرمود: نرجس، مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت احدی از حال او مطلع نگردید تا از شرّ فرعون و ماموران او در امان بماند و برای اینکه نرجس و فرزندش از کشته شدن در امان باشند به اذن خدا آثار حمل نمایان نیست و صبح هنگام آثار حمل نمایان خواهد شد.

حکیمه خاتون می گوید: آن شب نزد آن بانوی عزیز و بزرگوار ماندم و صبح دم هنگامی که به نماز شب ایستادم آن بانو از خواب بیدار شد و پس از اقامه نماز شب آثار حمل نمایان گردید، من به دستور امام سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* را برای او تلاوت کردم، هنگام تلاوت دیدم صدایی مرا همراهی می کند قدری دقت کردم دیدم صدای طفل است که با من سوره *«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»* را می خواند.

در آن هنگام آن بزرگوار متولد شد در حالی که شهادتین را بر زبان جاری کرد: *«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ»*. آنگاه *يَا أَمَانَ* را برشمرد و سپس فرمود: *«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدَتِي وَآتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبِّتْ وَطَأْتِي وَآمِلَاءَ الْأَرْضِ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا»*؛ خدایا به وعده ای که به من فرموده ای، وفا کن و امر امامت مرا کامل کن و قدرت انتقام از دشمنان را به من عنایت کن و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

وقتی مولود را به حضرت امام حسن عسکری دادم، دیدم که بر بازوی راستش نوشته شده بود: *«جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»*^۵. آنگاه حضرت به پدر سلام کرد و پس از استعاذه فرمود: *«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي*

۴. سوره قدر، آیه ۱.

۵. سوره اسراء، آیه ۸۱.

الأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۶؛ ما می‌خواستیم بر کسانی که در زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین گردانیم و حکومتشان در زمین را پابرجا سازیم.

آری اراده خداوند تبارک و تعالی بر این تعلق گرفته بود که در میان همه خطرها و دشمنی‌ها، منجی بشریت بیاید، بماند و جهان را پر از عدل و داد نماید. ان شاء الله^۷.

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ

۶. سوره قصص، آیه ۵.

۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۸.

بخش دوم سیمای امام مهدی در قرآن کریم

برای شناخت بهتر و بیشتر سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن کریم، به بیان برخی از آیات پرداخته می‌شود.

آیه یک: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

حضرت هود علی نبینا وعلیه السلام خطاب به قوم خود می‌فرماید: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۸؛ آنچه خدا بر شما باقی گذارد برای شما بهتر است اگر واقعا به خدا ایمان دارید.

احمد بن اسحاق قمی روایت کرده است که از امام حسن عسکری علیه السلام در باره امام بعدی آن بزرگوار سؤال کردم و برای آن علامتی که قلبم را مطمئن سازد خواستم در این هنگام کودکی که در دست آن بزرگوار بود فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۹؛ من بقية الله در زمین هستم.

۸. سوره هود، آیه ۸۶.

۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

همچنین محمد بن مسلم روایت کرده است که امام باقر علیه السلام پس از بیان برخی از علایم ظهور، فرمود: «فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجَ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلُمُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^{۱۰}؛ در آن هنگام، قائم ما ظهور می‌کند، وقتی که ظهور کرد، به کعبه تکیه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر دور او جمع می‌شوند، و اولین حرفی که می‌زند، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۱۱}؛ سپس می‌گوید: من، بقیه الله و خلیفه او در زمین و حجت خدا بر شما هستم، پس از آن هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌دهد، مگر این که می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^{۱۲}.

آیه دو: اَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ

در سوره نمل، در ضمن پنج آیه ۶۰ تا ۶۴ با مطرح کردن پنج سؤال به صورت استفهام تقریری مشرکان را تحت محاکمه قرار داده و روشن ترین دلایل توحید را با اشاره به دوازده نمونه از مواهب بزرگ خدای مهربان، بیان می‌کند. و در سؤال سوم آیه ۶۲ می‌فرماید: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ»^{۱۳}؛ آیا معبودهای بی ارزش شما بهتر است یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد؟ و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی با خدا وجود دارد؟

۱۰. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۱۱. سوره هود، آیه ۸۶.

۱۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۱۳. سوره نمل، آیه ۶۲.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ هُوَ وَاللَّهِ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^{۱۴}؛ این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند! مضطرّ اوست، هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می‌خواند و به درگاه خدا روی می‌آورد و دعا می‌کند، خدا دعای او را اجابت می‌کند، ناراحتی‌های او را برطرف می‌سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.

آیه سه: مَاءٍ مَعِينٍ

سوره ملک، آیه ۳۰ آمده است: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^{۱۵}؛ بگو: به من خبر دهد اگر آب‌های سرزمین شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟

ابو بصیر در تفسیر آیه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود: «هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا»^{۱۶}؛ این آیه درباره امام قائم نازل شده است، می‌گوید: اگر امام شما غایب گردد، و ندانید کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر می‌آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین، و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد؟ سپس امام فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده و سرانجام خواهد آمد.

۱۴. المجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۱۵. سوره ملک، آیه ۳۰.

۱۶. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶.

آیه چهار: إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا

سوره اسراء، آیه ۳۳ آمده است: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا»^{۱۷}؛ و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه و حق قصاص قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند؛ چرا که او مورد حمایت است.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه روایت شده است که فرمود: «ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مَسْرِفًا»^{۱۸}؛ منصور قائم آل محمد است که ظهور می کند و در مقابل خون حسین علیه السلام عده ای را می کشد، به فرض اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف کننده نخواهد بود.

آیه پنج: وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً

در سوره قصص، آیه ۵ و ۶ آمده است: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^{۱۹}؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را از آنها بیم داشتند، نشان دهیم.

۱۷. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۱۸. شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، جلد ۵، صفحه ۱۵۲.

۱۹. سوره قصص، آیه ۵ و ۶.

از حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور روایت شده است که فرمود: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»^{۲۰}؛ مستضعفان مذکور در این آیه، آل محمد هستند. خدای متعال مهدی آنان را بعد از زحمت و فشاری که بر ایشان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آنان عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.

آیه شش: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

در سوره اسراء آیه ۸۱ آمده است: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^{۲۱}؛ و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: «إِذَا قَامَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»^{۲۲}؛ هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود.

آیه هفت: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

در سوره توبه، آیه ۳۳ آمده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^{۲۳}؛ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر ادیان دیگر غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

۲۰. الطوسی، کتاب الغیبة للحجة، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲۱. سوره اسراء، آیه ۸۱.

۲۲. المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۱۳.

۲۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

عبد الرحمان بن سلیط از امام حسین علیه السلام روایت می کند که فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَخِي اللَّهَ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^{۲۴}؛ دوازده هدایت شده از ما خاندان هستند. اولشان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرشان نهمین نفر از نسل من است، و اوست امام قائم به حق که خدا به وسیله او زمین را بعد از مرگش زنده می کند و او دین حق را بر تمام ادیان غالب می سازد.

آیه هشت: أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^{۲۵}؛ و ما بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم که بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^{۲۶}؛ ایشان اصحاب مهدی در آخر الزمان هستند.

آیه نه: وَالْعَقَبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

در آیه ۱۲۸ سوره اعراف آمده است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^{۲۷}؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویند و پایداری

۲۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۷.

۲۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲۶. شیخ حر العاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، جلد ۵، صفحه ۱۴۶.

۲۷. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام نیک برای پرهیزکاران است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ، وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا»^{۲۸}؛ در کتاب علی یافته‌ایم که: همانا زمین از آن خداوند است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و فرجام از آن پرهیزگاران است، و من و خاندانم همانان هستیم که خداوند زمین را به ما به ارث داده و ماییم پرهیزگاران. همه زمین از آن ماست.

ده: لَيْسَتْ خَلْفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

در آیه ۵۵ سوره نور آمده است: «وَعَدَاللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۲۹}؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین خود قرار دهد، همان گونه که پیش از آنان را جانشین قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ به یقین نافرمانند.

۲۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵، ح ۶۶.

۲۹. سوره نور، آیه ۵۵.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ»^{۳۰}؛ این آیه درباره‌ی حضرت قائم و یارانش نازل شده است.

یازده: يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ

در آیه ۳۵ سوره نور آمده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ»^{۳۱}؛ خدا نور آسمان‌ها و زمین است، وصف نورش به مشکاتی ماند که در آن چراغی روشن است و آن چراغ در میان شیشه ایست که تلالؤش چون ستاره‌ای درخشان است، از درخت مبارک زیتون که نه شرقی است و نه غربی اما شرق و غرب جهان بدان فروزان است و بی‌آن که آتشی به روغن آن برسد، خود به خود برافروزد و جهانی را روشنی بخشد، پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت قرار گرفته است. و خدا هر که را خواهد به نور خود هدایت کند و این مثل‌ها را خدا برای مردم هوشمند می‌زند که به راه معرفتش هدایت یابند و خدا به همه امور داناست.

امام علی علیه السلام جمله «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» را به حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده است^{۳۲}.

۳۰. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۲۴۰

۳۱. سوره نور، آیه ۳۵.

۳۲. البحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة (ع)، ص ۱۴۹.

<https://pdf.lib.eshia.ir/۹۶۱۶۲/۱/۱۴۹>

دوازده: رُكُنٌ شَدِيدٌ

در آیه ۸۰ سوره هود از زبان حضرت هود آمده است فرمود:
«قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكُنٍ شَدِيدٍ»^{۳۳}؛ کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید: «الْقُوَّةُ الْقَائِمُ وَالرُّكْنُ الشَّدِيدُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشْرٌ»^{۳۴}؛ منظور از قُوَّةً، حضرت قائم است و منظور از، رُكُنٌ شَدِيدٌ؛ سیصد و سیزده تن یاران او می‌باشند.

آیات فراوانی در روایات به حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق یا تفسیر شده است که در بخش هشتم به آن اشاره شده است.

۳۳. سوره هود، آیه ۸۰.

۳۴. المجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۵۸.

بخش سوّم

غیبت امام زمان

مقدمه

خلیفه غاصب عباسی می‌دانست تنها فرزند امام حسن عسکری، جانشین پدر است و منجی و دارای حکومت جهانی است؛ لذا در صدد برآمد تا آن بزرگوار را بیابد و به شهادت برساند، از این رو تولد و کودکی امام زمان مخفی نگه داشته شد و جز چند تن از یاران خاص، کسی توفیق زیارت آن بزرگوار را پیدا نکرد.

شروع امامت امام زمان با غیبت صغرا شروع شد و با غیبت کبری ادامه یافت و پس از دوره طولانی غیبت و فراهم شدن شرایط فرج، برای برپایی حکومت جهانی صلح و عدل، ظهور خواهد کرد.

دوران غیبت صغرای امام زمان حدود ۷۰ سال طول کشید و دوران غیبت کبری از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع شده است و هم‌اکنون ادامه دارد.

در دوران غیبت صغرای امام زمان چهار تن به ترتیب عثمان بن سعید عمری به مدت ۵ سال، محمد بن عثمان بن سعید به مدت ۴۰ سال، حسین بن روح نوبختی به مدت ۲۱ سال و علی بن محمد سمری

به مدت ۴ سال؛ نیابت آن بزرگوار را به عهده داشتند و پس از فوت چهارمین نائب، غیبت کبری شروع شد^{۳۵}.

در دوران غیبت صغری، چهار نایب امام زمان، توسط خود حضرت تعیین گردیدند و به همین دلیل به آنان نواب خاص می‌گویند و اما در دوران غیبت کبری، کسانی که شرایط تعیین شده از سوی آن بزرگوار را دارا باشند، نایب امام زمان خواهند بود که به آنان نواب عام و ولی فقیه می‌گویند.

اما شرایط تعیین شده برای نواب عام امام زمان، در توقیع شریف آن بزرگوار آمده است که فرموده باشد: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^{۳۶}؛ اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم.

علل و عوامل غیبت

بر اساس برخی روایات حکمت و فلسفه واقعی غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اسرار الهی بیان شده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ، فَإِيَاكَ وَ الشَّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُفْرٌ»^{۳۷}؛ ای جابر! این امر از امور الهی و سری از اسرار ربوبی و مستور از بندگان خدا است، مبادا در آن شک کنی که شک در امر خدای تعالی کفر است.

۳۵. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰ تا ۵۱۶.

۳۶. همان، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳۷. همان، ج ۱ ص ۲۸۸.

امام صادق در جواب عبدالله بن فضل هاشمی در باره علت غیبت امام زمان فرمود: «إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حَرْقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْعُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَى نَبِينَا وَعَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ»^{۳۸}؛ فرمود: حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می‌شود، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند. ای فرزند فضل! این کار از کارهای خداست و سَرّی است از اسرار خدا، و غیبی است از غیب‌های خدا، وقتی که می‌دانیم خدای عزّ و جلّ حکیم است و کارهایش از روی حکمت انجام می‌گیرد، تصدیق می‌کنیم که همه کارهای او حکمت است، اگر چه سببش برای ما روشن نشود.

با آن که حکمت و فلسفه واقعی غیبت حضرت امام مهدی، از اسرار الهی بیان شده است؛ با این حال در روایات برخی از علل و عوامل بازگو شده است که به آن اشاره می‌شود.

اول: آزمایش مسلمانان در پایبندی و پایداری به دین

یکی از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آزمایش مسلمانان در پایبندی و پایداری آنان به دین و ولایت است. غیبت آن بزرگوار سبب می‌شود تا مؤمنان در ایمان

خالص شوند و حد و اندازه ایمان مؤمنان مشخص گردد و نفاق پنهان منافقین و ایمان حقیقی شیعیان آشکار و مؤمن از منافق جدا شود.

پیامبر گرامی در این باره به جابر می‌فرماید: «ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»^{۳۹}؛ او همان کسی است که از دید شیعیان غایب می‌شود و آن قدر غیبتش طول می‌کشد که غیر از گروهی که امتحان خود را داده‌اند و بر ایمان ثابت ماندند؛ همگان از پیروی او دست بر می‌دارند.

در روایت دیگری از امام حسین علیه السلام آمده است که می‌فرماید: لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيُثْبِتُ فِيهَا آخَرُونَ فَيُودُونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». أما أَنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۴۰}؛ برای حضرت مهدی غیبتی است که گروهی در آن مرحله مرتد می‌شوند و گروهی ثابت قدم می‌مانند و اظهار خشنودی می‌کنند. افراد مرتد به آنها می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود اگر شما راستگو هستید؟» ولی کسی که در زمان غیبت در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا جهاد کرده است.

دوم: آزادی امام مهدی از بیعت طاغوت‌های زمان

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آزادی از بیعت طاغوت‌های زمان است به

۳۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۴۰. المجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

گونه‌ای که بیعت هیچ حاکمی بر عهده آن بزرگوار نیست تا در زمان ظهور آزادانه قیام کند.

در روایت شیخ صدوق رحمة الله علیه آمده است امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت فرمود: «وَيَحْكُمَ مَا تَدْرُونَ مَا عَمِلْتُ، وَاللَّهِ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرٌ لِشِيعَتِي مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنِّي إِمَامُكُمْ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَيْكُمْ وَأَحَدُ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِنَصِّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيَّ قَالُوا بَلَى»؛ وای بر شما نمی‌دانید که من چه کردم، به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیان از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر است. آیا نمی‌دانید که من امام شما هستم که اطاعت بر شما واجب است؟ آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا نیستم؟ گفتند: آری.

سپس در ادامه فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ لَمَّا خَرَقَ السَّفِينَةَ وَ أَقَامَ الْجِدَارَ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سَخَطًا لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَ كَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةً وَ صَوَابًا»؛ آیا نمی‌دانید خضر هنگامی که کشتی را سوراخ و دیوار را برپا کرده و پسر را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت به جهت آن که حکمت آن را نمی‌دانست؛ در حالی که این عمل نزد خداوند متعال کاری درست و مطابق حکمت بود.

أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يَصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلَقَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَخْفِي وَ لَادَتَهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَهُ لِيَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ»^{۴۱}؛ آیا نمی‌دانید که هر یک از ما بر گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد. خداوند عزوجل ولادت او را مخفی خواهد نمود و شخصش

۴۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۲۹.

را غایب خواهد کرد تا آنکه برگردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد.

سوم: حفظ جان حضرت امام مهدی

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ جان امام زمان و محفوظ ماندن آن بزرگوار از شرّ جباران و ستمگران است و اگر آن بزرگوار می ماند و غیبت نمی کرد؛ سرانجام سرنوشت او همانند سرنوشت پدران بزرگوارش خواهد بود و به یقین آن حضرت پیش از آن که آن هدف و آرمان بزرگ به دست او تحقق یابد کشته می شد.

زراره از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن بزرگوار در باره حضرت مهدی فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛ همانا برای حضرت قائم پیش از آن که ظهور کند غیبتی هست. سپس زراره از آن بزرگوار در باره علت غیبت سؤال می کند و حضرت می فرماید: «إِنَّهُ يَخَافُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ»^{۴۲}؛ زیرا او می ترسد و با دست اشاره به شکم اش فرمود- یعنی از کشته شدن می ترسد .

چهارم: عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن، عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی و تمدن مهدوی است.

بشر با تمام مواهب طبیعی و خدادادی، با تمام رشد و ترقی، با تمام پیشرفت و تمدن، با تمام علم و دانش؛ هنوز با فقر و گرسنگی، با

۴۲. الشيخ الكليني، الكافي- ط الاسلاميه، ج ۱، ص ۲۳۸.

بیچارگی و بدبختی، با دروغ و نیرنگ، با فساد و فحشا، با قتل و غارت، با اعتیاد خانمان سوز و با هزاران نابسامانی دیگر، دست و پنجه نرم می کند.

رنجها و آسیب‌های رسیده به بشر، ظلم‌ها و ستم‌های تحمیل شده بر بشر، فساد و فحشای هوار شده بر گرده بشر، دروغ و نیرنگ‌های رسوخ کرده در زندگی بشر، بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه بشری و بحران‌های گوناگون؛ جان بشر را به لب آورده است.

همه این‌ها، بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است. بشر امروز نه از ناحیه خرد و نه از ناحیه ایمان به رشد کافی نرسیده است و گویی در دوران توحش زندگی می‌کند و هنوز دوران طفولیت خود را می‌گذراند.

امروز ضعف عقل بشر را به بدبختی و بیچارگی و ضعف ایمان بشر را به فلاکت و انحطاط کشانده است و خلاصی از این همه نابسامانی، نیاز به رشد بشر در همه زمینه‌ها دارد و تا این رشد تحقق پیدا نکند؛ زمینه حکومت جهانی، محقق نخواهد شد و بدیهی است که اگر آن حضرت پیش از فراهم شدن مقدمات فرج، ظهور کند، آن آرمان بزرگ و آن تمدن جهانی، عملی نخواهد بود.

پنجم: بی‌توجهی به واقعه غدیر

یکی از مهمترین علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن، بی‌توجهی به واقعه غدیر است. به شهادت تاریخ همواره مسلمانان در امر امامت و ولایت کوتاهی کرده و بی‌توجه بوده‌اند و ثمره این بی‌توجهی و کوتاهی، مصائبی است که بر اسلام و مسلمین واقع شده است.

آیا غیر از این است که کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به امر ولایت و امامت، اسلام را از رونق انداخته و مصائب جبران ناپذیری را بر جهان

اسلام وارد کرده است؟ ثمره این کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به واقعه غدیر، شهادت ائمه اطهار علیهم السلام، یکی پس از دیگری است. ثمره این کوتاهی و بی‌توجهی، غیبت دوازدهمین اختر فروزان ولایت و امامت و محرومیت از وجود نازنین و مقدس آن حجت الهی و آن منجی و مصلح جهانی است و امروز ما بی‌توجه به عوامل غیبت، در انتظار نشسته‌ایم.

آیا غیر از این است که کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به شعائر دین و خاصه رویداد مقدس غدیر، عاشورا به وجود آورد و امام را به مسلخ برد و فاجعه‌ی کربلا را رقم زد و شیعه را عزادار کرد؟ و امروز ما عزاداری می‌کنیم و کاری به غدیر نداریم.

اگر در خانه آتش گرفت، پهلو شکست، فرزند سقط شد و اگر خلافت غصب گردید و قطب دایره‌ی امکان خانه نشین شد و اگر جنگ جمل، صفین و نهروان براه افتاد و اگر مولی‌الموحدین به شهادت رسید و شیعه عزادار شد؛ همه به خاطر همین کوتاهی‌ها و بی‌توجهی‌ها بوده است.

اگر صلح دلخراش بر خورشید درخشان امامت و ولایت تحمیل شد و سبط اکبر و پاره‌ی تن پیامبر با زهر کین به شهادت رسید و اگر صحنه‌ی دلخراش کربلا به وجود آمد و عاشورا قلب بشریت را جریحه‌دار کرد و اگر امام و یارانش چاک چاک شدند و بر پیکر آنان سم ستوران رانندند و سرهای قدسیان همه بر نیزه‌ها برفت و اگر خاندان عصمت و طهارت چون اجانب در کوچه و بازار کوفه و شام به اسارت رفتند و شیعه عزادار شد؛ همه به خاطر همین کوتاهی‌ها و بی‌توجهی‌ها بوده است.

عزاداری بخاطر کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به واقعه غدیر، بر شیعه تحمیل شد و امروز همان کوتاهی و انحراف گریبان‌گیر مراسم ما شده است؛ به شکلی که ما برای فاجعه‌ی دلخراش کربلا و شهادت

جان‌گداز سید و سالار شهیدان عزاداری می‌کنیم (که به حق باید عزادار باشیم) اما نسبت به غدیر بی‌توجهیم و از علت عزادار شدن و مصیبت دیدن غافل شدیم. متأسفانه امروز ما گرفتار همان بلیه‌ای شدیم که ما را عزادار کرد و اگر این کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به واقعه غدیر ادامه یابد، هم تکرار عاشورا را و هم ادامه‌ی غیبت و محرومیت از وجود نازنین امام زمان را به دنبال خواهد داشت.

زنده نگه داشتن شایسته‌ی عید سعید غدیر، تنها به کمپین جشن و شادی نیست، تنها به اکرام مؤمنین بر سر سفره اطعام نیست! آری اطعام روز عید سعید غدیر، شاد کردن مومنین در روزه عید غدیر، روزه گرفتن و صدقه دادن در روز عید غدیر؛ بسیار فضیلت و ثواب دارد و در روایت‌های بسیاری بر آن توصیه و تأکید شده است که غدیر را جشن بگیرید، در آن شاد و خندان باشید و دیگران را بر سر سفره طعام مهمان کنید (که باید چنین کنیم)؛ اما باید بدانیم همه این‌ها برای برجسته‌سازی عید سعید غدیر است نه هدف غایی غدیر. هدف غایی غدیر، تحقق امر ولایت در برپایی حکومت است، هدف غایی غدیر، پیروی از امامت برای تحقق اسلام ناب محمدی، آن هم در سایه حکومت اسلامی است.

بزرگداشت و تعظیم شایسته‌ی غدیر، برای جلوگیری از تکرار عاشورا است. برای جلوگیری از طولانی شدن غیبت ولی الله الاعظم است و اگر مراسم مذهبی و تعظیم شعائر دینی، شایسته برگزار می‌شد و اگر شعائر دین زنده نگه داشته می‌شد و اگر ما در واقعه‌ی عید سعید غدیر، عید سعید مبعث، عید سعید فطر، عید سعید قربان، عید جمعه و ایام موالید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، درست و شایسته عمل می‌کردیم؛ کار به مصیبت بعد از مصیبت و شهادت بعد از شهادت نمی‌کشید و شیعه عزادار نمی‌شد و از وجود نازنین امام زمان محروم نمی‌شد.

ششم: آماده نبودن یاران

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن غیبت آن بزرگوار، عدم آمادگی یاران آن حضرت است.

ظهور منجی و مصلح جهانی نیاز به یاران شایسته، آزموده، زبده، کاردان، لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب دارد.

یارانی که در اعتقاد مؤمن، در دین مخلص، در صفات وارسته، در گفتار راستگو، در رفتار متخلق، در برخورد خوش خلق باشند

یارانی که در پیکار آماده، در جهاد از خود گذشته، در عمل خودساخته، به شرایط زمان و مکان آگاه، در برابر سختی‌ها شکیبنا و در برابر حوادث مسئولیت پذیر باشند.

کارگزارانی که در سازماندهی منابع و استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود، در تراز جهانی توانمند، در مدیریت اشخاص و اداره امور قدرتمند، در واگذاری مسئولیت‌ها شایسته و از قابلیت‌های لازم جهانی برخوردار باشند.

یارانی که با کسب لیاقت‌های لازم و با تمرین و تلاش، همه آمادگی‌ها را در خود ایجاد کرده و به تمام معنا خودساخته‌اند و برای رفع موانع ظهور از هیچ تلاش و کوششی و از هیچ مجاهدتی دریغ نمی‌کنند و یک‌پارچه برای تحقق مقدمات ظهور، قیام می‌کنند.

یارانی که چون آهن‌های آب دیده، محکم و استوار در برابر حوادث ایستاده و برای تحقق حکومت جهانی سر از پا نمی‌شناسند. چنانچه در روایت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام آمده است که در صفات یاران حضرت امام مهدی می‌فرماید: «هِيَ رِجَالٌ كَانُوا

قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ، فِي ذَاتِ اللَّهِ»^{۴۳}؛ آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.

یارانی که از ترفندهای جهانی دشمنان، آگاه و از راههای مبارزه با نقشه دشمنان، مطلع و در مراحل متعدد، خنثی سازی توطئه‌ها را تمرین کرده و موفق بوده باشند.

چرا که هنگامه ظهور، وقت آموزش نیست، وقت معطلی برای آمادگی یاران نیست، وقت کسب تجربه نیست، وقت آزمون و خطا نیست، وقت انتخاب غلط نیست، وقت تکرار اشتباهات صورت گرفته تا کنون نیست.

هنگامه ظهور دیگر وقت نافرمانی و سرپیچی نیست، وقت سستی و تنبلی نیست، وقت منفعت طلبی و راحت طلبی نیست، وقت انتخاب گزینه‌ها دلخواه نیست.

باید بدانیم که با بی‌بصیرتی، با دین داری ادعایی، با عوام فریب، با کج فهمی، با سستی و تنبلی، با راحت طلبی و منفعت طلبی و مصلحت طلبی و با انتخاب گزینه‌ها دلخواه نمی‌شود امام زمان را یاری کرد.

و از همه مهمتر این که بعضی بر این خیال باطلند که وقتی امام زمان ظهور کرد، با یک حرکت همه دشمنان را نابود می‌کند و با یک حرکت همه را تسلیم می‌کند و با یک معجزه بر جهان مسلط می‌شود، پس به خودسازی یاران نیاز نیست.

در حالی که بنا نیست منجی و مصلح جهانی با معجزه ظهور کند، با معجزه افراد را بسازد، با معجزه بر جهان حاکم شود، با معجزه کار حکومت را دنبال کند و با معجزه نظام جهانی را برقرار نماید. بلکه عمده رخدادها برای تحقق فرج و ظهور، بر روال طبیعی و بر اساس

پذیرش جهانی و آمادگی تمام عیار یاران و عملکرد شایسته کارگزاران خواهد بود.

امروز کسانی می‌توانند امام زمان را یاری کنند که:

۱. اسلام را یک حقیقت و یک هدف بدانند نه یک مصلحت و یک وسیله؛
۲. به اسلام ناب محمدی معتقد باشند و خود را از اسلام آمریکایی و شیعه انکلیسی جدا کنند؛
۳. با خودسازی و تهذیب نفس، شایستگی خود را برای جهاد و شهادت ثابت کنند؛
۴. با آموزش و تمرین و با تلاش و پشتکار، لیاقت‌های لازم را برای مدیریت جهانی در خود کسب کنند.
۵. با تشخیص حق و باطل، به موقع و به هنگام، در دفاع از دین و رهبری، در صحنه حضور یابند و در هنگامه خطر گیج نشوند؛
۶. با بصیرت دینی، جنگ ترکیبی دشمن را درست بشناسند و فریب آن را نخورند؛
۷. بجای منافع خود، بر مصالح دین پافشاری کنند و حاضر باشند هزینه دینداری و حکومت جهانی را بپردازند؛
۸. بدون شک و تردید و بدون چون چرا و با شهامت و شجاعت، مخلصانه از جایگاه رهبری اسلامی و منویات آن، تا سرحد جان دفاع کنند.
۹. اهل سکوت در برابر فساد و تباهی، و فسق و فجور، ظلم و ستم نباشند؛
۱۰. اهل سازش با دشمنان بشریت و با استکبار جهانی (امریکا و اسرائیل) و عوامل آنان نباشند.

وقتی سخن از یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در حکومت مصلح و منجی جهانی به میان می‌آید تصور نشود که منظور فقط ۳۱۳ نفر مراد است، بلکه یاران منجی و یاوران ظهور، در حلقه‌های متعددی قرار دارند که ۳۱۳ نفر حلقه اول آنان هستند و حلقه‌های بعدی هزار و ده هزار نفر خواهد بود.

**حال سؤال این است چنین یارانی چه تعداد آماده هستند؟
و چه مقدار آمادگی دارند؟**

بخش چهارم انتظار فرج حضرت امام زمان

یکی از وظایف شیعه انتظار فرج حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^{۴۴}؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج است. انتظار فرج یک شعار نیست، یک آرزو نیست، بلکه یک عمل است که منتظر را به درجه شایستگی یک یار واقعی می رساند.

انتظار فرج سه گونه است و منتظران ظهور منجی و مصلح بشر سه گروه هستند:

گروه اول: نشسته به انتظار

گروه دوم: آماده به انتظار

گروه سوم: یار منتظر

گروه اول: نشسته به انتظار

این گروه به انتظار نشسته، منتظرند ببینند، منجی کی می آید، برای آمدنش دعا می کنند، نماز می خوانند، جمکران می روند، مویه می کنند،

خرج می‌دهند، نذر می‌کنند، مراسم جشن برپا می‌کنند و مدام از نیامدنش گله‌مندند که چرا مهدی فاطمه ظهور نمی‌کند؟

چرا یوسف گمگشته به کنعان نرسیده است؟
چرا کلبه احزان به گلستان نرسیده است.

این گروه منتظر صوری و ادعائی هستند، کاری به وظیفه ندارند، برای رفع موانع و فراهم نمودن مقدمات ظهور، عملی انجام نمی‌دهند بلکه برای ثوابش منتظر است.

بعضی از این گروه بی‌میل نیستند که آن بزرگوار نیاید؛ چرا که به اسم منتظر برای خود دکانی درست کرده و نگرانند که اگر بیاید منافعشان در خطر بیفتد، مانند یهود و نصارای زمان بعثت که با بیان علائم ظهور پیامبر خاتم برای خود برج بارویی ساخته بودند و کاسبی می‌کردند اما آنگاه که آن بزرگوار ظهور کرد اولین کسانی بودند که به مخالفت با آن بزرگوار برخاستند.

بعضی از این گروه بی‌میل نیستند که آن بزرگوار نیاید چرا که اینان امام غایب را می‌خواهند نه امام حاضر را، چون امام غایب را هر گونه که بخواهند می‌توانند تفسیر کنند اما امام حاضر را باید فرمان ببرند.

اینان افراد منفعت طلب، جاه‌طلب، رفاه‌طلب و خودخواه هستند! که هنگامه ظهور حاضر نیستند حضرت را همراهی کنند، حاضر نیستند سختی قیام را به جان بخرند، حاضر نیستند هزینه بدهند، حاضر نیستند خطر کنند، بلکه انتظار دارند وقتی آن بزرگوار ظهور کرد، آنان را مورد لطف قرار دهد، آنان را تأیید کند، گوش به حرف آنان بدهد، طبق نظر آنان عمل کند و بجای خدماتی که کرده‌اند، جایگاهی در حکومت داشته باشند و از غنائم سهمی بیش از دیگران ببرند و اگر بدانند که این چنین نیست همه چیز را منکر می‌شوند مانند پهلوانی که به آرزوی خالکوبی نقش شیر بر شانه‌اش به دلای

مراجعه کرد و وقتی دلاک شروع به نقش زدن کرد و با درد آن مواجه شد از یکی یکی اعضا منصرف شد.

شیر بی دم و سر و اشکم که دید این چنین شیری خدا خود نافرید

مانند اکثریت لشکریان طالوت که وقتی لشکر جالوت را دیدند یک مرتبه جا زدند و گفتند: «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»^{۴۵} مانند سپاه لشکر اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین، تا فهمیدند که حرف جنگ است نه غنائم، راه را کج کردند و آن بزرگوار را در میان معرکه رها کردند. مانند اصحاب حضرت موسی که برای بیرون راندن دشمن از بیت المقدس گفتند: «فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^{۴۶}.

چگونه می شود منتظر بود در حالی که تحمل آن بزرگوار را نداریم، چرا که در رفتار به کمترین احکام دینی عمل می کنیم، در گفتار، به کمترین اصول اخلاقی پایبندیم؛ در واجبات مالی، به حداقلها اکتفا می کنیم؛ در انجام دستورهای سخت، طفره می رویم؛ در برابر سختی ها مشکلات ناآرامیم؛ در هنگامه خطر ناپایداریم؛ در رابطه با آموزه های دینی، رفتارهای متناقض داریم.

اینان به یقین آن گاه که ظهور کند ساز مخالف می زنند، مانند مردم کوفه که به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نامه نوشتند که منتظر تو هستیم اما با یک نهیب ابن زیاد صحنه را خالی کردند و با یک وعده پوچ، به رویش شمشیر کشیدند.

مکتوب می رسید فراوان ولی دریغ * خطش تمام کوفی و مهرش فریب بود.

۴۵. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۴۶. سوره مائده، آیه ۲۴.

این‌ها هیچ کدام با «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» سازگار نیست.

گروه دوم: آماده به انتظار

این گروه برای آمدنش هر گونه آمادگی را در خود ایجاد کرده و آماده‌اند برای هر وقت که بیاید، این انتظار، آمادگی می‌آورد و آمادگی، سبب سازندگی معنوی می‌شود و در نتیجه رستگاری را برای منتظر به دنبال خواهد داشت و این هدف انتظار است، چه در زمان منتظر، امام زمان ظهور کند و چه ظهور نکند.

این که می‌گویند: **انتظار فرج يك عمل** است منظور همین است که منتظر با عمل انتظار خودسازی می‌کند و رستگار می‌شود. نیست کس آگه که یار کی بنماید جمال، لیک تو باری به نقد ساخته‌ی کار باش. این انتظار بسیار ارزش دارد و بسیار مفید است، خاصه برای منتظر اما برای ظهور کافی نیست.

گروه سوم: یار منتظر

ظهور منجی عالم بشریت به یارانی: شایسته، آزموده، زبده، کاردان، لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب لازم دارد. یارانی که در اعتقاد مومن، در عمل خودساخته، در دین مخلص، در صفات وارسته، در گفتار راستگو، در رفتار متخلق، در برخورد خوش خلق، در پیکار آماده و از خودگذشته، به شرایط زمان و مکان آگاه، در برابر سختی‌ها شکیباء، در برابر حوادث مسئولیت پذیر باشند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که فراتر از يك منتظر و یک آماده به انتظار عمل می‌کنند، بلکه با کسب لیاقت‌های لازم، همه آمادگی‌ها را در خود ایجاد می‌کند و به تمام معنا خودساخته‌اند: «هی

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشْوِيهَا شَكٌّ، فِي ذَاتِ اللَّهِ»^{۴۷}؛ آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که برای رفع موانع ظهور، برای تحقق مقدمات ظهور از هیچ تلاش و کوششی و از هیچ مجاهدتی دریغ نمی‌کند و برای یاری منجی در تشکیل حکومت جهانی با تمرین و تلاش، خود را آماده می‌کند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که از هر جهت برای حکومت منجی و مصلح جهانی خود را آماده کرده است و برای هر فرمانی آماده و پا به رکاب است، او هرگز بهانه نمی‌آورد، سستی نمی‌کند، طفره نمی‌رود، چانه نمی‌زند و سرپیچی نمی‌کند.

و از همه مهمتر، برای حکومت منجی و مصلح جهانی، حاضر است هزینه بدهد تا این که سهم خواه باشد و باز از همه مهمتر این که در آماده سازی دیگران برای حکومت منجی و مصلح جهانی، خود را مسئول می‌داند و نقش آفرینی می‌کند.

آیا ما نشسته به انتظاریم یا آماده به انتظار یا یار منتظر؟

بخش پنجم منشور اخلاقی انتظار فرج

مشخصه‌ها و شایستگی‌های منتظر واقعی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

«رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُزْبُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ»^{۴۸}

مردانی که دل‌های آنان همچون پاره آهن سخت و محکم است
و در ایمان به خدا شک و تردید ندارند.

مقدمه

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي
إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^{۴۹}؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج است. انتظار
فرج یک شعار نیست، یک آرزو نیست، بلکه یک عمل است که منتظر
را به درجه شایستگی یک یار واقعی می‌رساند.

ظهور منجی عالم بشریت یارانی: شایسته، آزموده، زبده، کاردان،
لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب لازم دارد. یارانی که در اعتقاد، مومن؛
در دین، مخلص؛ در صفات، وارسته؛ در گفتار، راستگو؛ در رفتار

۴۸. المجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴۹. همان، ص ۱۲۲.

متخلق؛ در برخورد، خوش خلق؛ در پیکار، آماده؛ در جهاد، از خود گذشته؛ در عمل، خودساخته؛ به شرایط زمان و مکان، آگاه؛ در برابر سختی‌ها، شکیب‌ا و در برابر حوادث، مسئولیت پذیر باشند. و منتظر واقعی باید این شایستگی‌ها را در خود ایجاد کند.

وقتی سخن از یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به میان می‌آید تصور نشود که منظور فقط ۳۱۳ نفر مراد هستند، بلکه یاران منجی و یاوران ظهور، در حلقه‌های متعددی قرار دارند که ۳۱۳ نفر حلقه اول آنان هستند و حلقه‌های بعدی هزار و ده هزار و ... نفر خواهد بود.

آن چه در این منشور اخلاقی به رشته تحریر درآمده است، مشخصه عمومی یاران منجی و ظهور است و در حقیقت باید گفت مشخصه تمام کسانی است که دعای "اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ" می‌خوانند و خود را منتظر می‌دانند.

بر اساس آیات و روایات، یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای مشخصه‌ها و شایستگی‌هایی هستند که در "منشور اخلاقی انتظار" به آن اشاره شده است.

مشخصه‌ها و شایستگی‌های منتظر واقعی

اول: شیفته دانش و معرفت

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیفته دانش و معرفت است و این شیفتگی در کسب دانش و معرفت و فراگیری معارف و آموزه‌های دینی؛ وقتی با عشق و علاقه به امام زمان عجین گردید، تا عمق جان منتظر نفوذ کرده و عالمانه و عاشقانه در انتظار منجی خواهد بود. حضرت امام علی علیه السلام در صفات یاوران آن بزرگوار می‌فرماید: «رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ»^{۵۰}؛ مردان مومنی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته‌اند.

دوم: دین باور

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دین باور است و وقتی این دین باوری با فرهنگ انتظار، همراه شد، امید بخش شده و از مایوس شدن جلوگیری می‌کند.

سوم: متدین

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا متدین است و با انجام واجبات و ترک محرمات و حتی رعایت مستحبات و ترک مکروهات، نهایت کوشش خود را بکار می‌گیرد تا شایستگی خود را برای ظهور منجی به دست آورد.

چهارم: متعهد

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا متعهد است و با تسلیم در برابر دستورات دین و تبعیت پذیری در برابر اوامر رهبران دینی، وظایف دینی را طبق دستور انجام می‌دهد تا جوّ دینی را در جامعه گسترش یابد.

پنجم: متعبد

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اهل راز و نیاز و دعا و مناجات با حضرت حق، آن هم در دل شب می‌باشد. انتظار یک مبارزه است و منتظر واقعی یک مبارز و جهادگر است و باید با عظمت و پُرشکوه بروز و ظهور پیدا کند تا هم استواریش در مبارزه حفظ شود، هم استحکامش در جهاد پایرجا بماند، مبارزه‌اش اثرگذار، اقدامش ماندگار، تلاشش کارساز باشد و هم از سستی، شکست و انحراف حفظ شود و ارتباط با خالق هستی، تضمین کننده‌ی همه این‌ها است و هرچه این ارتباط قوی‌تر و عمیق‌تر باشد؛ در تقویت فضای معنوی جامعه مؤثرتر است.

امام محمد باقر در باره صفات یاوران آن بزرگوار می‌فرماید: «فَيَبِيئُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ»^{۵۱}؛ هنگامی که بخواهند شب را به صبح برسانند، در حال رکوع و برخی در حالت سجده شب را به سحر می‌کنند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند.

امام صادق علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید: «قَدْ أَثَّرَ السُّجُودُ بِجَبَاهِهِمْ رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَيْرَ الْحَدِيدِ»^{۵۲}؛ آثار سجده

۵۱. المجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۵۲. همان، ص ۳۸۶.

بر پیشانی آنها نقش بسته و آنان راهبان و عابدان شب هستند، و مردانی که گویی دل‌هایشان پاره‌های آهن است.

ششم: مخلص

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا مخلص است و جز برای خدا کاری انجام نمی‌دهد، برای انتظارش، سهم خواهی نمی‌کند، با انتظارش کاسبی نمی‌کند، با انتظارش عوام فریبی نمی‌کند، در انتظارش، کوفی صفت نیست.

هفتم: وارسته

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا وارسته و متخلق است و رفتار و کردارش با محاسن و مکارم اخلاق مزین گشته و الگوی شایسته برای همه افراد جامعه است.

هشتم: متعادل

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا متعادل است و در همه امور تعادل را نگه داشته و از افراط و تفریط گریزان است.

نهم: عزتمند

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا عزتمند است و در رفتار و گفتار، عزتمند عمل می‌کند و با رعایت شأن و منزلت منتظر، تن به خاری و خفت نمی‌دهد و از اعمالی که وهن شیعه و اسلام است، پرهیز می‌کند.

دهم: تسلیم

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا تسلیم اوامر و نواهی الهی است و هرگز سخن به شکایت و شکوه باز نمی‌کند و هرگز گله نمی‌کند که "چرا یوسف گم گشته به کنعان نرسیده است؟ چرا کلبه احزان به گلستان نرسیده است".

یازدهم: بصیر

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا بصیر و آگاه است و در برابر شرایط زمانه، با تشخیص صحیح و موضع‌گیری به هنگام، عمل کرده و ضمن پرهیز از سیاسی کاری، هرگز سیاست را از دین جدا نمی‌داند.

دوازدهم: انقلابی

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا انقلابی است. از حق و حقیقت دفاع می‌کند و با ظالمان و فاسدان در حال مبارزه است و در جانفشانی در راه اهل بیت عصمت و طهارت سر از پا نمی‌شناسد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «لَوْ حَمَلُوا عَلَيَّ الْجِبَالَ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا حَرَّبُوهَا»^{۵۳}؛ آنان در مسیر قیام می‌توانند کوه‌ها را از جای برکنند و شهرها را زیر و رو کنند.

سیزدهم: آمر به معروف

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک آمر به معروف و یک ناهی از منکر است و تمام کوشش خود را برای اقامه

معروف و رهایی از منکر بکار می‌بندد و با احساس مسئولیت نسبت به جامعه، با اخلاق پسندیده و روش‌های جذاب، دیگران را به تدین و دین‌داری دعوت می‌نماید.

چهاردهم: کاردان، آزموده و خبره

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا کاردان، آزموده و خبره است و برای ایفای نقش در حکومت جهانی، با آموزش و تمرین، شایستگی خود را برای هر مأموریتی حفظ می‌نماید.

پانزدهم: مسئولیت پذیر

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا مسئولیت پذیر است و برای تحقق مقدمات فرج، برای رفع موانع ظهور و برای یاری منجی در تشکیل حکومت جهانی، از هیچ تلاش و کوششی، دریغ نمی‌کند و از هیچ مجاهدتی فروگذار نیست و برای تحقق منویات رهبری، سر از پا نمی‌شناسند و آرام و قرار ندارد و از تنبلی، بی‌حالی، سهل‌انگاری و کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن بیزار است.

شانزدهم: خودساخته و مهذب

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا مهذب و خودساخته است و نه به عنوان منتظر صوری، بلکه به عنوان منتظر واقعی و از آن بالاتر به عنوان یار منتظر، با خودسازی و تهذیب نفس، شایستگی لازم برای شهروندی حکومت جهانی منجی و مصلح بشریت را کسب می‌کند.

هفدهم: آماده

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا آماده است و با تمرین و تکرار، آمادگی خود را حفظ می کند و از همه مهمتر در آماده سازی دیگران برای حکومت منجی و مصلح جهانی، تلاش می کند.

نیست کس آگه که یار، کی بنماید جمال
لیک تو باری به نقد، ساخته‌ی کار باش

هجدهم: منتظر واقعی

اما در حقیقت منتظر واقعی، خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نزدیک به دوازده قرن است که منتظر است تا این آمادگی در پیروانش بوجود بیاید.

مسیرت مشخص، امیرت مشخص
مکن دل، دل ای دل، بزن دل به دریا
اگر عاشقانه هوادار یاری
اگر مخلصانه گرفتار یاری
اگر آبرو می گذاری به پایش
بگو چند جمعه گذشتی ز خوابت؟
چه اندازه در ندبه‌ها زار یاری؟
به شانه کشیدی غم سینه‌اش را؟
و یا چون بقیه تو سربار یاری؟
به گریه شبی را سحر کردی یا نه؟
چه مقدار بی تاب و بیمار یاری؟

بخش ششم تمدن مهدوی و حکومت جهانی حضرت مهدی

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»^{۵۴}

و ما بعد از تورات در زیور (داوود) نوشتیم همانا بندگان شایسته
وارث زمین خواهند شد.

«وَوَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^{۵۵}

و ما بر آنیم که بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث
زمین گردانیم.

عمده مباحث پیرامون منجی و مصلح جهانی حضرت صاحب
عصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در باره علامات ظهور و
یا کم و کیف ظهور یا شرایط هنگامه‌ی ظهور یا چگونگی قیام منجی
است اما درباره چگونگی تمدن مهدوی و حکومت جهانی که یکی از
مباحث بسیار مهم و ضروری است، کمتر سخن گفته شده است که
در این بخش به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

۵۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۵۵. سوره قصص، آیه ۵.

مقدمه

۱. دانشمندان و اندیشمندان بر این باورند که بافت نظام طبیعی جهان به گونه‌ای است که یک حاکمیت را طلب می‌کند و تضاد و تخالف برای سلامت این بافت، یک تهدید خطرناک است؛
۲. امکان اداره یک پارچه جهان با پیشرفت تکنولوژی که دنیا را به دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده است؛ از دیروز راحت‌تر و از امروز ضروری‌تر است؛
۳. آن چه ابر قدرت‌ها را در تصاحب جهان، به وسوسه انداخته است بخاطر همین باور و بخاطر همین امکان است؛
۴. همواره بشر در آرزوی زندگی ایده‌آل، خانواده، خانه و فرزندان ایده‌آل، فرزندان در حسرت پدر و مادر ایده‌آل، دختران در پی شوهران ایده‌آل و پسران در پی همسران ایده‌آل، بوده و هستند، و این آرزو از دیر باز تا کنون ذهن بشر را به خود مشغول کرده است؛
۵. این آرزوها، فکر و اندیشه بسیاری از اندیشمندان و جامعه شناسان را به خود مشغول کرده است و ایشان مجموعه این آرزوها را به عنوان جامعه ایده‌آل، یا آرمان شهر یا مدینه فاضله مطرح کرده و هر کدام طرحی را برای آن تدوین نموده‌اند؛
۶. آگوستین در شهر خدا، توماس مور در ناکجاآباد و فرانسویس بیکن در آتلانتیس، طرح‌هایی را برای مدینه فاضله ارائه داده‌اند. افلاطون در رساله جمهوری، کهن‌ترین طرح مدینه فاضله را و فارابی در کتاب آراء، اولین مدینه فاضله دینی را ارائه داده است.

مدینه فاضله مهدوی و جامعه آرمانی اسلام

مکاتب الهی در ارائه الگوی مدینه فاضله از همه مکاتب و از همه دانشمندان و اندیشمندان پیش قدم بوده و دین مبین اسلام مدینه فاضله واقعی و عملی را به عنوان عظیم‌ترین تحول تاریخ بشر، در قالب تمدن مهدوی و حکومت جهانی به بشریت هدیه داده است. آنچه مدینه فاضله اسلام را از سایر طرح‌ها و ایده‌ها متمایز و ممتاز ساخته، ویژگی‌های این جامعه آرمانی است.

تار و پود ساختار هر تمدنی را افراد آن می‌سازند، برای رسیدن به جامعه آرمانی لازم است، افراد آن جامعه به رشد کافی برسند، جایگاه واقعی و کمال حقیقی خود را پیدا کنند و از کرامت و بزرگواری برخوردار شوند. و از آن جایی که تمدن مهدوی و حکومت جهانی، با ساختار هستی و قوانین طبیعت هماهنگ است؛ تنها حکومتی است که می‌تواند عقول بشر را به رشد و به بلوغ لازم برساند و بشر را در جایگاه واقعی و کمال حقیقی خود قرار دهد و به مقام کرامت و بزرگواری انسانی رهنمون سازد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که می‌تواند گنجینه‌های عقل عملی و نظری بشر را بارور کند و انسان را از نظر عقل، به بلوغ واقعی و از نظر ایمان، به کمال حقیقی برساند و ایمان و اعتقاد، و کرامت و بزرگواری را در شهروندان خود راسخ سازد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که می‌تواند از نظر عقل نظری، بشر را به رشد و کمال برساند و از نظر عقل عملی، بشر را به کرامت و بزرگواری رهنمون سازد و حقیقتی که برای رسیدن به جامعه آرمانی و انسان‌های آرمانی لازم است.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که در راستای مأموریت انبیاء الهی، می‌تواند اهداف عالی خلیفه را محقق سازد، اصل کتاب زندگی را به روی بشر بگشاید، بشر را از مقدمه زندگی عبور

دهد تا به کمال لایق و جایگاه واقعی خود برسد و جامعه آرمانی و مدینه فاضله شکل گیرد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، سرفصل شکوفایی و اول رشد و تعالی بشر است، اول شکوفائی همه ظرفیت‌های مادی و معنوی و اول پیشرفت و تمدن واقعی جهان است. در حقیقت با آمدن مصلح جهانی؛ زندگی واقعی بشر، تازه شروع می‌شود و با رسیدن به سرمنزل مقصود؛ در دنیا به خوشبختی و سعادت و در آخرت به فلاح و رستگاری می‌رسد.

آن چه که بشر برای زندگی شرافتمندانه نیاز دارد از صلح و آرامش تا امنیت و آبادانی، از آزادی و استقلال تا حریت و جوانمردی، از قسط و عدل تا احسان و نیکوکاری، از عزت و شرافت تا فرهنگ و معنویت، از صفا و صمیمیت تا سعادت دنیا و آخرت، از رشد و کمال تا کرامت و بزرگواری؛ در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، دست‌یافتنی می‌شود.

در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، جهان سرشار از مواهب طبیعی می‌شود، بشر به امنیت و آرامش: «وَلْيَبْدَأْ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^{۵۶}، به آبادانی و رفاه، به عدالت اقتصادی دست می‌یابد، اندیشه‌های ناب و علوم و فنون به اوج خود می‌رسند، تولید علم، تولید فناوری، تولید صنعت پاک، برای خدمت به خلق، به اوج شکوفایی می‌رسد، ۲۷ حرف دیگر علم از ۲۹ حرف، برای بشر نمایان می‌شود، تمام همت بشر در خدمت پیشرفت و تمدن حقیقی قرار می‌گیرد، زمین و آسمان مسخر انسان می‌گردد: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»^{۵۷}، بشر به آبادانی زمین می‌پردازد و انسان‌های شایسته به زیر آورند چرخ نیلوفری را.

۵۶. سوره نور، آیه ۵۵.

۵۷. سوره جاثیه، آیه ۱۳.

در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی

۱. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، طبیعت از خساست و ناسازگاری دست برمی‌دارد، ذخایر خود را نمایان می‌سازد، دیگر برای امرار معاش دست به سوی دیگران دراز نمی‌شود، رنج بیکاری کسی را آزار نمی‌دهد؛
۲. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، باران رحمت سرتاسر زمین را آبیاری می‌کند، دیگر زمین خشک و بی‌آب و علف یافت نمی‌شود، مردم به سفره‌های آب زیر زمینی دست درازی نمی‌کنند و برای چند نار^{۵۸} آب به جان هم نمی‌افتند؛
۳. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، درختان مثمر، سرشار از میوه‌های رنگارنگ و سالم، دل باغبانان را شاد می‌کند و برای سود بیش‌تر، میوه نارس، با مواد شیمیایی، بجای میوه رسیده به بازار عرضه نمی‌شود؛
۴. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، غذای سالم و مفید در دسترس قرار می‌گیرد، مواد شیمیائی و خطرناک از سفره‌های مردم جمع می‌شود، دیگر اسید به عنوان آلبیمو و امثال اینها به خورد مردم داده نمی‌شود؛
۵. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، با رعایت اصول بهداشتی؛ صحت و سلامتی به جامعه باز می‌گردد، دردهای ناعلاج و بیماری‌های خاموش و خطرناک از جامعه رخت برمی‌بندد؛
۶. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، محیط زیست با طراوت و صف ناشدنی جلوه‌گر می‌شود، دیگر ریزگردها و صنایع عصر قجر، فضا را آلوده نمی‌کند؛

^{۵۸}. نار. وزنی است معادل ۴ مثقال، ده نار وزنی است معادل دو سیر و نیم یعنی چهل مثقال، و پنج نار معادل ده مثقال است.

۷. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، بشر از جور قانون‌های پیچیده، سازمان‌های عریض و طویل، دیوان سالاری‌های دست و پاگیر، مجریان پرهزینه و پر ادعا، دستگاه پیچیده قضایی، سازمان‌های گسترده انتظامی، مسئولیت‌های بی‌اساس، شغل‌های کاذب، و واسطه‌گری‌های خانمان سوز؛ خلاص می‌شود و در نتیجه بیچارگی‌ها، بدبختی‌ها، رنج‌ها، خفت و خاری‌های هوار شده بر گرده بشر؛ رخت برمی‌بندد.

۸. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، بشر از دست عوام فریبی نجات پیدا می‌کند، دیگر سلبریتی‌های بزرگ شده توسط مردم، برای ملت شاخ و شانه نمی‌کشند و با ظاهر سازی مردم را فریب نمی‌دهند. دیگر کسی در برابر منکر گرنش نمی‌کند و در برابر معروف خروش ندارد.

۹. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، دیگر کسی برای ترویج حق، رودروایی نمی‌کند و برای بیان حقیقت، مردد نمی‌شود و برای دفاع از مظلوم خجالت نمی‌کشد.

انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی

تمام رنج‌های بشر بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است، بی‌خردی و بی‌ایمانی بشر را هم با خود و هم با طبیعت درگیر کرده و مشکلات طبیعی را صدچندان بر کرده او افکنده و او را به فلاکت کشانده است. امروز ضعف عقل بشر را به بدبختی و بیچارگی و ضعف ایمان بشر را به انحطاط کشانده است، در نتیجه نگذاشته است بشر به رشد کافی برسد و گویی بشر در این شرایط، هنوز دوران طفولیت خود را می‌گذراند.

رنج‌ها و آسیب‌های رسیده به بشر، ظلم‌ها و ستم‌های تحمیل شده بر بشر، فساد و فحشای هُواری شده بر گرده بشر، دروغ و نیرنگ‌های رسوخ کرده در زندگی بشر، بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه بشری و بحران‌های به وجود آمده؛ جان بشر را به لب آورده است.

اگر بشر با تمام مواهب طبیعی و خدادادی، با تمام رشد و ترقی، با تمام پیشرفت و تمدن، با تمام علم و دانش؛ هنوز با فقر و گرسنگی، با دروغ و نیرنگ، با فساد و فحشا، با قتل و غارت، با اعتیاد خانمان سوز دست و پنجه نرم می‌کند و وضعیتی بهتر از دوران توحش ندارد؛ بخاطر این است که نه از ناحیه خرد و نه از ناحیه ایمان به رشد کافی نرسیده است.

اگر بشر با تمام پیشرفت و تمدنی که بدست آورده؛ هنوز با بیچارگی و بدبختی دست و پنجه نرم می‌کند و گوئی در مقدمه زندگی مانده و درجا می‌زند و در حقیقت دوران طفولیت خود را می‌گذرانند؛ به دلیل بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر امروز بشر با بحران معنویت، بحران اخلاق، بحران هویت، بحران تعقل، بحران معرفت، بحران فرهنگ، بحران روانی، بحران آرامش روبرو است؛ بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر پیشرفت‌های بدست آمده؛ بشر را به آرامش لازم نرسانده و هر روز بیشتر از دیروز آرامش بشر را به خطر انداخته است بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر امروز تمام ثروت دنیا در سه مقوله جنگ، عیاشی و اعتیاد مصرف می‌شود؛ بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی بشر است.

وقتی انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی، به رشد و کمال رسید و در جایگاه کرامت و بزرگواری قرار گرفت:

۱. زندگیش بر شرافت، عزت و آقائی استوار می‌شود از ذلت و پستی گریزان است؛
۲. زندگیش بر راستی و صداقت استوار می‌شود، از دروغ و ادعاهای واهی گریزان است؛
۳. زندگیش بر درستی استوار می‌شود، از نیرنگ و فریب گریزان است؛
۴. زندگیش بر پاکی، عفت و حیا استوار می‌شود از ناپاکی و پلشتی گریزان است؛
۵. زندگیش بر جدیت و تلاش استوار می‌شود از تنبلی، کسلی، بی‌حالی و بی‌نشاطی گریزان است؛
۶. به حق خود قانع است، رانت‌خواری و رشوه‌خواری نمی‌کند؛
۷. دیگران را بر خود مقدم می‌دارد، با جوسازی حق کسی را پایمال نمی‌کند؛
۸. به وعده‌ها و قرارهایش پایبند است، وعده خلافی نمی‌کند؛
۹. برای مردم احترام قائل است، به آنان توهین نمی‌کند؛
۱۰. به قانون احترام می‌گذارد، بدون نیاز به مجری قانون، به سمت خلاف و تخلف و جرم نمی‌رود؛
۱۱. برای مال دیگران احترام قائل است، به مال مردم دست درازی نمی‌کند؛
۱۲. بیت‌المال را امانت می‌داند، در آن خیانت نمی‌کند؛
۱۳. مسئولیت را بر اساس شایسته‌سالاری می‌داند، برای پست و مقام، کسی را تخریب نمی‌کند؛
۱۴. بیشترین فعالیت را با کمترین ادعا همراه می‌کند؛

۱۵. دیگران را، بهتر از خود می‌داند و کمتر از آن چه هست خود را نشان می‌دهد؛
۱۶. در رفتارهای فردی و اجتماعی؛ اخلاق عمل می‌کند و از خودنمایی، منت‌گذاری، فخرفروشی، تکبر، غرور، منیت، گریزان است؛
۱۷. دیگر جنگ‌های خانمان‌سوز آرامش و امنیت جامعه را بهم نمی‌زند؛
۱۸. دیگر تبلیغات دروغین، آمارهای غلط، اخبار دروغ، مردم را فریب نمی‌دهد؛
۱۹. دیگر سه هدف نامشروع و خانمان‌سوز عیاشی، اعتیاد و جنگ، سرمایه‌های بشری را تباه نمی‌کند؛
۲۰. دیگر بی‌دینی و بی‌بندوباری نشان تمدن نمی‌باشد؛
۲۱. دیگر مطلا بجای طلا به مردم قالب نمی‌شود و نقش طلا را در جامعه بازی نمی‌کند؛
۲۲. دیگر هیچ بی‌سروپایی، جامعه را ملتهب نمی‌کند.

«در آرزوی آن روز بکوشیم و خود را آماده کنیم»

بخش هفتم پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی

مقدمه

یکی از ارزش‌های والای راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، پیوند آن با حکومت مصلح‌جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی با ویژه‌گی‌هایی که دارد؛ زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود است.

آن شخصیت والا و آن رهبر قیام حماسی عاشورا، که با حرکت مقدسش اسلام را حفظ کرد؛ زیارت اربعین اش، مقدمات ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز فراهم می‌کند، به همین خاطر سید و سالار شهیدان در بین انوار مقدس ائمه اطهار علیهم السلام از همه برجسته‌تر است که فرمود: «كُنَّا سَفْنُ النَّجَاةِ وَ لَكِنْ سَفِينَةُ جَدِيَّ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ فِي لُجَجِ الْبِحَارِ أَسْرَعُ»^{۵۹}؛ همه ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین وسیع‌تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع‌تر است.

^{۵۹} - شوشتری، الخصائص الحسينية، دارالسرور، ج ۱، ص ۱۴.

راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی از چند جهت با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود پیوند ناگسستنی دارد یا به تعبیر بهتر حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود به مقدماتی نیاز دارد که همه آن مقدمات در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد که به بعضی از آن اشاره می شود.

مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی اول: سرمایه‌های انسانی آماده

قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود در حلقه‌های متعدد نیاز به نیروی میلیونی مؤمن، آموزش دیده، خیره، کارکشته، آزموده و با تجربه دارد به گونه‌ای که به تعبیر امیر بیان حضرت علی علیه السلام: «لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَ لَا يَدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ»^{۶۰}؛ پیشینیان، در فضایل از آنان سبقت نیافته و آیندگان به مرتبه آنان نرسند. این سرمایه‌های انسانی که باید همه ویژگی‌هایی لازم را برای اداره جهان دارا باشند؛ در کجا باید آموزش ببینند؟ کجا باید آمادگی‌شان را تمرین کنند؟ این جمعیت میلیونی برای تمرین در کدام مکان، در چه زمان، در کدام رزمایش، در کدام اردوگاه باید اردو بزنند؟ آیا اردوگاهی بهتر، وسیع‌تر و جامع‌تر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

دوم: هم صدایی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)

مرکزیت حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود غرب قاره آسیا یعنی ایران، عراق، شامات است، ملت‌های این کشورها برای حکومت یک پارچه جهانی منجی عالم بشریت باید یک

۶۰ - المقدسی الشافعی السلمی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۷۵.

دل و یک جهت شوند و وحدت و برادری، همدلی و همراهی خود را به اوج برسانند، تفاوت‌های کاذب را رها کند، برتری‌های نژادی را کنار بگذارد، از دشمنی‌ها و حرکت‌های تفرقه انگیز و اختلاف افکن پرهیز نمایند و یکپارچگی خود را برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت آماده کنند و در برابر دشمن واقعی آماده باشند. آیا برای شروع و تمرین وحدت و هم‌دلی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

سوم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان

ملل مسلمان از نظر فرهنگ، آداب و رسوم تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و این در حالی است که برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ملل مسلمان، با تمامی تفاوت‌های فرهنگی که دارند؛ در راه هدف مقدس‌شان، زودتر و بهتر از دیگر ملل، باید زبان یکدیگر را بفهمند، همدیگر را درک کنند، آداب و رسوم یکدیگر (که در بعضی از موارد ضد هم است) را تحمل کنند و بتوانند در یک حکومت واحد جهانی با همکاری، تعاون و تعامل پیوسته؛ زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. آیا برای شروع و تمرین زندگی مسالمت آمیز؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه

همه دشمنان اسلام با همکاری مزدوران‌شان مانند گروه‌های تکفیری القاعده، داعش و آل سعود، یک چهره ناپسند از شیعه به دنیا نشان داده‌اند و این در حالی است که هنگامه ظهور؛ تمامی بشریت باید با چهره ارزشمند و صلح طلب اسلام آشنا باشند، از اهداف و آرمان‌های حکومت جهانی مطلع باشند، مذهب تشیع را به عنوان مذهب نجات بخش بشری بشناسند، نسبت به شیعه به عنوان کارگزاران حکومت

جهانی، ذهنیت خوب داشته باشند تا ملت‌ها؛ قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به راحتی همراهی کنند. آیا برای آشنایی با چهره واقعی شیعه و صلح طلبی دین مبین اسلام و اهداف و آرمان‌های حکومت جهانی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی

هنگامه ظهور همه جهانیان باید با رهبری قیام یعنی مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خوبی آشنا باشند و اصل و نسب و اجداد طاهرين و کمالات و فضایل بی‌بدیل آن حضرت را به خوبی بشناسند تا به راحتی قیام آن بزرگوار را همراهی کنند. آیا برای آشنایی ملل جهان با رهبری قیام و اصل و نسب آن بزرگوار؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

ششم: نمونه قابل ارائه

حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ حکومت یکپارچه و وحدت آفرین بین تمام ملت‌ها است و ملت‌ها در اوج برادری و تعاون برای یک زندگی شرافتمند؛ همکاری و تعامل پیوسته خواهند داشت. آیا برای نشان دادن یک نمونه قابل ارائه به جهان، بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

بر این اساس زائر اربعین سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام با نیت زمینه‌سازی ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت؛ باید در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی شرکت نمایند و با عمل به منشور اخلاقی تربیتی راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی و با رعایت آداب و شرایط، حدود و ثغور، به ندای هل

بخش هفتم: پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی ❁ ۶۷

من ناصر حضرت أبا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام لبيك گوید و در
فراهم شدن مقدمات ظهور حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت
حضرت مهدی موعود نقش آفرین باشد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

بخش هشتم

آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر شده است

۱. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^{۶۱}؛ این کتابی است که در آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوایبندگان است. آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. در برخی از روایات «غیب» در این آیه به امام غایب تفسیر شده است^{۶۲}.
۲. «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»^{۶۳}؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را به سوی خود باز می آورد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه درباره قائم آل محمد و اصحابش نازل شده، که بدون قرار و وعده قبلی جمع خواهند شد^{۶۴}.
۳. «وَلَتَنْبُلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»^{۶۵}؛ و قطعاً شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می آزماییم. در روایتی،

۶۱. سوره بقره، آیه ۱ تا ۳.

۶۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸.

۶۳. آیه ۱۴۸ سوره بقره.

۶۴. الشیخ الكلینی، الکافی، ج ۸، ۳۱۳.

۶۵. سوره بقره، آیه ۵۵.

امام صادق علیه السلام پس از ذکر برخی از نشانه‌های ظهور، این آیه را خواند.^{۶۶}

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۶۷}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگاهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. در روایتی از امام باقر علیه السلام، به وظایف منتظران از جمله رابطه با امام زمان اشاره شده است.^{۶۸}

۵. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^{۶۹}؛ کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا آنان را گرامی داشته یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدم‌اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام، نبیین به پیامبر و صدیقین به امام علی علیه السلام و شهدا به حسنین علیه السلام و صالحان به ائمه اطهار و حسن اولئک رفیقاً به حضرت مهدی تفسیر شده است.^{۷۰}

۶. «وَدَكَّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»^{۷۱}؛ و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن. از امام باقر علیه السلام روایت شده که روزهای خداوند سه روز است: روزی که قائم بپا خیزد، روز رجعت و روز قیامت.^{۷۲}

۶۶. المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹.

۶۷. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۶۸. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۱۹۹.

۶۹. سوره نساء، آیه ۶۹.

۷۰. قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۲.

۷۱. سوره ابراهیم، آیه ۵.

۷۲. الفیض الکاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۷. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^{۷۳}؛ گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. خداوند فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، وقت معلوم در این آیه به وقت قیام قائم آل محمد تفسیر شده است^{۷۴}.

۸. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^{۷۵}؛ و به راستی، به تو سبع المثنائی یعنی سوره فاتحه و قرآن بزرگ را عطا کردیم. در روایتی از امام باقر علیه السلام سبعماً من المثنائی به امامان و قرآن العظیم به امام زمان تفسیر شده است^{۷۶}.

۹. «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا»^{۷۷}؛ آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته‌اند می‌داند و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از عبارت «وَمَا خَلْفَهُمْ»، اخبار حضرت مهدی علیه السلام است^{۷۸}.

۱۰. «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا»^{۷۹}؛ و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، ولی آن را فراموش کرد و برای او عزمی استوار نیافتیم. بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه، خدا از پیامبران بر ربوبیت خود، نبوت پیامبر اسلام و امامت امامان شیعه و نیز به مهدی که به وسیله

۷۳. سوره حجر، آیه ۳۶ و ۳۷.

۷۴. الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۸۶.

۷۵. سوره حجر، آیه ۸۷.

۷۶. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۷۷. سوره طه، آیه ۱۱۰.

۷۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۷۹. سوره طه، آیه ۱۱۵.

او برای دینش یاری می‌گیرد، دولتش را به سبب او آشکار می‌سازد و از دشمنانش انتقام می‌گیرد، پیمان گرفت^{۸۰}.

۱۱. «قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى»^{۸۱}؛ بگو: همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زود باشد که بدانید یاران راه میانه کیانند و چه کسی راه یافته است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام، راه میانه، را به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده است و هدایت را مربوط به کسی دانسته که به طاعت او راه یافته باشد^{۸۲}.

۱۲. «وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ»^{۸۳}؛ و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، تا مرگ ما در رسید. در روایتی یوم الدین به روز قائم و یقین به روز ظهور حضرت مهدی تفسیر شده است^{۸۴}.

۱۳. «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^{۸۵}؛ و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است. در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام نعمت باطنی را به امام غایب تفسیر کرده است^{۸۶}.

۱۴. «وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ»^{۸۷}؛ و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم. از

۸۰. ابن قولویه القمی، کامل الزیارات، ۱۳۵۶ش، ص ۶۳.

۸۱. سوره طه، آیه ۱۳۵.

۸۲. الشیخ الكلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۸۳. سوره مدثر، آیه ۴۶ و ۴۷.

۸۴. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۵.

۸۵. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۸۶. الصفار القمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۷۰.

۸۷. سوره عنکبوت، آیه ۱۰.

امام صادق علیه السلام روایت شده، منظور از نصرت پروردگار، حضرت مهدی علیه السلام است.^{۸۸}

۱۵. «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»^{۸۹}؛ و خدا می‌خواست حق را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند. تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند. در روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه منظور از کسی که باطل را نابود می‌سازد امام زمان دانسته شده است.^{۹۰}

۱۶. «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي»^{۹۱}؛ خداوند شما را به وسیله رودخانه‌هایی خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از پیروان من نیست. از امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه نقل شده که اصحاب امام زمان علیه السلام هم، مانند یاران طالوت، امتحان و آزمایش می‌شوند.^{۹۲}

۱۷. «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»^{۹۳}؛ سوگند به عصر غلبه حق بر باطل، که واقعاً انسان دست خوش زیان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده منظور از عصر در این آیه، زمان ظهور و خروج مهدی علیه السلام است.^{۹۴}

۸۸. الاسترآبادی النجفی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۱۷.

۸۹. سوره انفال، آیه ۷ و ۸.

۹۰. الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۶۵۸.

۹۱. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۹۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸.

۹۳. سوره والعصر، آیه ۱.

۹۴. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۱۸. «وَذَلِكَ دَيْنُ الْقِيَمَةِ»^{۹۵}؛ و دین ثابت و پایدار همین است. بر اساس روایتی امام صادق علیه السلام منظور از «دَيْنُ الْقِيَمَةِ» حضرت مهدی است^{۹۶}.

۱۹. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^{۹۷}؛ آن شب تا صبحگاهان، صلح و سلام است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، از عبارت «مَطْلَعِ الْفَجْرِ» به طلوع فجر حضرت مهدی علیه السلام تعبیر شده است^{۹۸}.

۲۰. «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»^{۹۹}؛ سوگند به روز چون جلوه‌گر شود. در برخی از روایات، ذیل این آیه از روز، به ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است^{۱۰۰}.

۲۱. «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»^{۱۰۱}؛ سوگند به روز چون زمین را روشن گرداند. امام صادق علیه السلام در روایتی، روز را در این آیه به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کردند^{۱۰۲}.

۲۲. «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»^{۱۰۳}؛ سوگند به آسمان که آکنده از برج است. از پیامبر نقل شده که منظور از بروج در این آیه امامان

۹۵. سوره بینه، آیه ۵.

۹۶. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۰.

۹۷. سوره قدر، آیه ۵.

۹۸. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۳۱۶.

۹۹. سوره لیل، آیه ۲.

۱۰۰. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۶.

۱۰۱. سوره شمس، آیه ۳.

۱۰۲. الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص ۸۰۱.

۱۰۳. سوره بروج، آیه ۱.

هستند که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرین ایشان مهدی است.^{۱۰۴}

۲۳. «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً»^{۱۰۵}؛ آیا خبر غاشیه به تو رسیده است؟ در آن روز، چهره‌هایی زیبوند، که تلاش کرده، رنج بیهوده برده‌اند، ناچار در آتشی سوزان درآیند. در روایتی از امام صادق علیه السلام این آیه به قیام حضرت قائم تفسیر شده است.^{۱۰۶}

۲۴. «فَلَا أَفْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ»^{۱۰۷}؛ نه! سوگند به اختران گردان، کز دیده نمان شوند و از نو آیند. در روایتی از امام باقر علیه السلام این آیه اشاره به غیبت امام زمان و ظهورشان دارد.^{۱۰۸}

۲۵. «قَدْ لِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ»^{۱۰۹}؛ آن روز چه روز ناگواری است! بر کافران آسان نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه اشاره به ظهور و قیام امام زمان دارد.^{۱۱۰}

۲۶. «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفَ نَاصِرًا وَأَقْلَبَ عَدَدًا»^{۱۱۱}؛ باش تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدام يك شماره‌اش کمتر است. در روایتی امام کاظم علیه السلام منظور از این آیه را امام

۱۰۴. استرآبادی، تأویل آیات الظاهره، ص ۷۹۴.

۱۰۵. سوره غاشیه، آیه ۱ تا ۴.

۱۰۶. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۱۰۷. سوره تکویر، آیه ۱۵ و ۱۶.

۱۰۸. الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص ۷۷۸.

۱۰۹. سوره مدثر، آیه ۹ و ۱۰.

۱۱۰. الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص ۷۷۸.

۱۱۱. سوره جن، آیه ۲۴.

زمان و یارانش دانسته است. یعنی کافران می بینند که امام زمان و یاورانش ضعیف و کم شماره نیستند^{۱۱۲}.

۲۷. «حَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَفُهُمْ ذِلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ»^{۱۱۳}؛ دیدگانشان فرو افتاده، غبار مذلت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزی که به ایشان وعده داده می شد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید؛ منظور از روز موعود، روز خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است^{۱۱۴}.

۲۸. «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ»^{۱۱۵}؛ و کسانی که روز جزا را باور دارند. امام باقر علیه السلام درباره این آیه می فرماید: منظور از روز جزا، روز ظهور و خروج حضرت مهدی علیه السلام است^{۱۱۶}.

۲۹. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^{۱۱۷}؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا، گرچه کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گردانید. از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که منظور از: خداوند نور خود را کامل خواهد گردانید، ولایت حضرت مهدی است^{۱۱۸}.

۱۱۲. مفید، الاختصاص، ص ۲۲۴.

۱۱۳. سوره معارج، آیه ۴۴.

۱۱۴. الشیخ الكلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۰.

۱۱۵. سوره معارج، آیه ۲۶.

۱۱۶. الشیخ الكلینی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۱۱۷. سوره صف، آیه ۸.

۱۱۸. الشیخ الكلینی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۳۰. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^{۱۱۹}؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در روایتی از امام باقر علیه السلام، زنده کردن زمین به وسیله حضرت مهدی تفسیر شده است^{۱۲۰}.

۳۱. «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ»^{۱۲۱}؛ تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و آنان را از موهای پیش سر، و پاهایشان می‌گیرند و به دوزخ می‌افکنند. در روایتی از امام صادق علیه السلام: هنگام قیام، خداوند شناخت چهره‌ها را به امام زمان عطا می‌کند^{۱۲۲}.

۳۲. «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ»^{۱۲۳}؛ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید. در روایتی امام زین العابدین علیه السلام حق را به قیام امام زمان تفسیر کرده‌اند^{۱۲۴}.

۳۳. «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»^{۱۲۵}؛ و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا می‌دهد، به گوش باش. روزی که فریاد رستاخیز را به حق می‌شنوند، آن روز، روز بیرون آمدن از زمین است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، صیحه به نام امام زمان و یوم الخروج به رجعت تفسیر شده است^{۱۲۶}.

۱۱۹. سوره حدید، آیه ۱۷.

۱۲۰. العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲.

۱۲۱. سوره الرحمن، آیه ۴۱.

۱۲۲. الصفار القمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۵۶.

۱۲۳. سوره ذاریات، آیه ۲۳.

۱۲۴. الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۵۹۶.

۱۲۵. سوره ق، آیه ۴۱ و ۴۲.

۱۲۶. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳۴. «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»^{۱۲۷}؛ اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می‌شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می‌داشتیم. در روایتی از امام صادق علیه السلام مراد آیه این است: به تأخیر انداختن مجازات منافقین و کفار تا ظهور افراد باایمانی که در صلب آنهاست^{۱۲۸}.

۳۵. «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^{۱۲۹}؛ به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که به روزهای پیروزی خدا امید ندارند درگذرند، تا خدا هر گروهی را به سبب آنچه مرتکب می‌شده‌اند به مجازات رساند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، روز قیام امام زمان از ایام الله است^{۱۳۰}.

۳۶. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^{۱۳۱}؛ آیا جز این انتظار می‌برند که رستاخیز ناگهان بر آنان در رسد؟ در حالی که حدس نمی‌زنند. در روایتی امام باقر علیه السلام منظور از ساعت را ظهور و قیام حضرت مهدی دانسته است^{۱۳۲}.

۳۷. «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ»^{۱۳۳}؛ و هر که پس از ستم دیدن خود، یاری جوید و انتقام گیرد، نکوهشی بر ایشان نیست. بر اساس روایتی که از امام باقر در تفسیر القمی

۱۲۷. سوره فتح، آیه ۲۹.

۱۲۸. العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۰.

۱۲۹. سوره جاثیه، آیه ۱۴.

۱۳۰. الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۵۵۹-۵۵۸.

۱۳۱. سوره زخرف، آیه ۶۶.

۱۳۲. الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۵۵۲.

۱۳۳. سوره شوری، آیه ۴۱.

نقل شده، آیه به انتقام گرفتن، امام زمان و یارانش از بنی امیه، تکذیب کنندگان و ناصبی‌ها تفسیر شده است^{۱۳۴}.

۳۸. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَزْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^{۱۳۵}؛ کسی که کِشت و محصول آخرت بخوهد، برای وی در کِشت و محصولش می‌افزاییم و کسی که کِشت و محصولش این دنیا را بخوهد به او از آن می‌دهیم ولی در آخرت او را نصیبی نیست. در روایتی از مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ به دولت حضرت مهدی تعبیر شده است^{۱۳۶}.

۳۹. «سَأُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^{۱۳۷}؛ به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌های ایشان نشان خواهیم داد، تا برای ایشان روشن گردد که او خود حق است. در روایتی امام باقر علیه السلام این آیه را به خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده است^{۱۳۸}.

۴۰. «لَنُنذِرَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^{۱۳۹}؛ تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم. در روایتی عذاب الخزی به عذاب دنیوی مخالفان لجوج، قبل از قیام امام زمان علیه السلام تفسیر شده است^{۱۴۰}.

۱۳۴. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۳۵. سوره شوری، آیه ۲۰.

۱۳۶. الشیخ الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۶.

۱۳۷. سوره فصلت، آیه ۵۳.

۱۳۸. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۲۶۹.

۱۳۹. سوره فصلت، آیه ۱۶.

۱۴۰. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۲۶۹.

۴۱. «وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^{۱۴۱}؛ و اما تمود، پس آنان را راهبری کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر آنچه مرتکب می‌شدند صاعقه عذاب خفت آور آنان را فروگرفت. امام صادق علیه السلام تمود را در این آیه به گروهی از شیعه که همانند تمود، از روی سرکشی حقایق وحی را تکذیب کردند و صاعقه را به عقوبت شمشیر هنگام ظهور تفسیر کرده اند^{۱۴۲}.

۴۲. «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^{۱۴۳}؛ و زمین به نور پروردگارش روشن گردد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که پروردگار زمین، یعنی امام زمین که بعد از ظهورش مردم از نورش بهره می‌برند^{۱۴۴}.

۴۳. «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»^{۱۴۵}؛ و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست. در روایتی از امام باقر علیه السلام منظور از «وَلَتَعْلَمَنَّ» هنگام خروج مهدی علیه السلام است^{۱۴۶}.

۴۴. «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ»^{۱۴۷}؛ و بی‌گمان، ابراهیم از پیروان اوست. درباره امامان و از جمله حضرت مهدی و صفات شیعیانشان^{۱۴۸}.

۱۴۱. سوره فصلت، آیه ۱۷.

۱۴۲. الاسترآبادی القمی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۷۷.

۱۴۳. سوره زمر، آیه ۶۹.

۱۴۴. الفیض الکاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۳۱.

۱۴۵. سوره ص، آیه ۸۸.

۱۴۶. الشیخ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۱۴۷. سوره صافات، آیه ۸۳.

۱۴۸. الاسترآبادی القمی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۸۶.

۴۵. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»^{۱۴۹}؛ و ای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند پس آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند. در بحارالانوار، روایاتی از پیامبرگرمی و امام باقر علیه السلام نقل شده که نشان می دهد از مصادیق این آیه، خروج سفیانی به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام است^{۱۵۰}.

۴۶. «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»^{۱۵۱}؛ بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده اند سود نمی بخشد و آنان مهلت نمی یابند. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، روز فتح و پیروزی روزی است که دنیا بر روی حضرت مهدی علیه السلام گشوده می شود^{۱۵۲}.

۴۷. «وَلَنُنذِرَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ الَّذِي دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^{۱۵۳}؛ و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا نیز به آنان می چشانیم، امید که آنها به خدا بازگردند. در روایتی از امام صادق علیه السلام منظور از عذاب اکبر خروج مهدی علیه السلام با شمشیر در آخر الزمان دانسته شده است^{۱۵۴}.

۴۸. «وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۵۵}؛ و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند. بر اساس روایتی از امام صادق علیه

۱۴۹. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۱۵۰. الفیض الکاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۳۱.

۱۵۱. سوره سجده، آیه ۲۹.

۱۵۲. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۷.

۱۵۳. سوره سجده، آیه ۲۱.

۱۵۴. الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۴۳۸.

۱۵۵. سوره روم، آیه ۴.

السلام، منظور از خوشحالی مومنان در آن روز، روز قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است^{۱۵۶}.

۴۹. «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»^{۱۵۷}؛ اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام نازل شده که اسم او از سوی آسمان اعلام خواهد شد^{۱۵۸}.

۵۰. «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ. ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ»^{۱۵۹}؛ مگر نمی‌دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم. و آنگاه آنچه که بدان [بیم داده می‌شوند بدیشان برسد. آنچه از آن برخوردار می‌شدند، به کارشان نمی‌آید و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند؟ در روایتی امام صادق علیه السلام جمله «مَا كَانُوا يُوعَدُونَ» را به ظهور و قیام امام زمان و جمله «مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ» به بنی‌امیه تفسیر کرده‌اند^{۱۶۰}.

۵۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۱۶۱}؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. در بعضی از

۱۵۶. الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۰۱.

۱۵۷. سوره شعراء، آیه ۴.

۱۵۸. الطبری الصغیر، دلائل الامامه، ص ۴۶۵-۴۶۴.

۱۵۹. سوره شعراء، آیه ۲۰۵ تا ۲۰۷.

۱۶۰. الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۸۴-۳۸۳.

۱۶۱. سوره حج، آیه ۴۱.

روایات، این آیه به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش تفسیر شده است^{۱۶۲}.

۵۲. «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْعَجَبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^{۱۶۳}؛ و می گویند: چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم. در روایتی از امام صادق علیه السلام غیب به حضرت قائم تفسیر شده است^{۱۶۴}.

۵۳. «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ»^{۱۶۵}؛ آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه، به ظهور مردی از آل محمد (ص) به همراه سیصد و سیزده تن اشاره شده است^{۱۶۶}.

۵۴. «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»^{۱۶۷}؛ هان امر خدا در رسید، پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و فراتر است از آنچه با وی شریک می‌سازند. در روایات ائمه علیهم السلام منظور از امرالله، به ظهور امام زمان علیه السلام اشاره دارد^{۱۶۸}.

۱۶۲. الیزدی الحائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۷۹.

۱۶۳. سوره یونس، آیه ۲۰.

۱۶۴. البحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة (ع)، ص ۹۹.

<https://pdf.lib.eshia.ir/96162/1/99>

۱۶۵. سوره نحل، آیه ۴۵.

۱۶۶. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۷.

۱۶۷. سوره نحل، آیه ۱.

۱۶۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸.

۵۵. «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ ۗ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ»^{۱۶۹}؛ تا هنگامی که فرستادگان ما نومید شدند و مردم پندارند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند، ولی عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. در روایتی از علی علیه السلام، مومنان در دوره غیبت زندگی سختی دارند تا این که با نصرت الهی و ظهور امام زمان، در کارشان گشایش می‌افتد.^{۱۷۰}

۵۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^{۱۷۱}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید. در تفسیر آیه فایده امام غایب به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از نور خورشید سود می‌برند هر چند که ابری آن را بپوشاند.^{۱۷۲}

۵۷. «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^{۱۷۳}؛ هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام، این آیه به ظهور امام زمان و بواسطه آن هدایت همگان به سوی کلمه توحید اشاره دارد.^{۱۷۴}

۱۶۹. سوره یوسف، آیه ۱۱۰.

۱۷۰. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۶-۶۵.

۱۷۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۱۷۲. النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص ۱۹۸.

۱۷۳. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۱۷۴. الطبری الصغیر، دلائل الامامه، ص ۴۷۱.

۵۸. «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»^{۱۷۵}؛ روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت پدید آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد. بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم. امام صادق علیه السلام منظور از یوم در «یوم یأتی بعض آیات ربک» را روز ظهور حضرت مهدی دانسته است^{۱۷۶}.

۵۹. «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^{۱۷۷}؛ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. در روایتی از امام صادق علیه السلام، برخی از مومنین قوم موسی علیه السلام، جزو یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود^{۱۷۸}.

۶۰. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^{۱۷۹}؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت جهاد داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. امام صادق علیه السلام این آیه را درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌داند چون که خروج کند، برای امام حسین علیه السلام خونخواهی نماید^{۱۸۰}.

۶۱. «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۖ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۖ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤِيدًا»^{۱۸۱}؛ آنان دست به نیرنگ می‌زنند و من نیز دست به نیرنگ

۱۷۵. سوره انعام، آیه ۱۵۸.

۱۷۶. الخزاز القمی الرازی، کفایه الاثر، ص ۵۵-۵۴.

۱۷۷. سوره اعراف، آیه ۵۹.

۱۷۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۳.

۱۷۹. سوره حج، آیه ۳۹.

۱۸۰. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۱۸۱. سوره طارق، آیه ۱۵ تا ۱۷.

بخش هشتم: آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر ❁ ۸۵

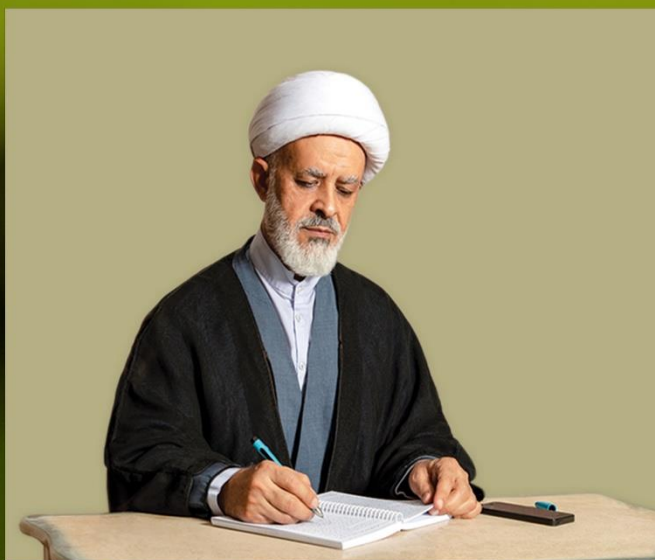
می‌زنم. پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار.
از امام صادق علیه السلام نقل شده منظور از مهلت به کافران
این است که تا زمان خروج و ظهور امام زمان، به آنان مهلت داده
می‌شود ۱۸۲.

منايع

١. قرآن كريم
٢. شيخ صدوق (٣٨١ق)، كمال الدين و تمام النعمه، محقق: غفارى، على اكبر، تهران، ناشر اسلاميه، ١٣٩٥ق.
٣. الطبرسى النورى، حسين، النجم الثاقب فى احوال الامام الغايب، بتحقيق سيد ياسين موسى.
٤. المجلسى، الشيخ محمد باقر بن محمد تقي، بحار الانوار، موسسه الوفاء، ١٤٠٣ هـ.ق.
٥. شيخ حر العاملى، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. لبنان- بيروت، الموسسه العلمى للمطبوعات.
٦. الطوسى، محمد بن الحسن، كتاب الغيبة للحجة، محقق: تهرانى، عباد الله و ناصح، على احمد، قم، دارالمعارف الاسلاميه، ١٤١١ق.
٧. عياشى، محمد بن مسعود (٣٢٠ق)، تفسير العياشى، محقق: رسولى محلاتى، سيد هاشم، تهران، ناشر المطبعة العلمية، ١٣٨٠ق.
٨. النعمانى، محمد بن إبراهيم (٢٦٠ق)، الغيبة للنعمانى، محقق: غفارى، على اكبر، تهران، نشر صدوق، ١٣٩٧ق.
٩. البحرانى، سيد هاشم، المحجة فيما نزل فى القائم الحجه (ع)، محقق: محمد منير الميلى، لبنان، موسسه النعمان، ١٤١٣ هـ.
١٠. الكورانى العاملى، الشيخ على، معجم أحاديث الإمام المهدي، قم، نشر مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١١ هـ.ق.
١١. الشيخ الكليني (٣٢٩ق)، الكافي- ط الاسلاميه، المحقق: غفارى على اكبر و آخوندي، محمد، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
١٢. القندوزي، سليمان بن ابراهيم، يبايع المودة لذو القربى، دار الاسوة للطباعة والنشر المطبعة: اسوه.

١٣. شوشتری، شیخ جعفر (١٣٠٣ق)، الخصائص الحسينیه.
١٤. المقدسی الشافعی السلمی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (علیه السلام)، قم، مسجد مقدس جمکران، ١٣٨٢ش.
١٥. قمی، علی بن ابراهیم (قرن ٣ق)، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ١٤٠٤ق.
١٦. فیض الکاشانی، العلامه شیخ محمد محسن (١٠٩١ق)، تفسیر الصافی، لبنان- بیروت، الموسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.
١٧. الحسینی البحرانی، السید هاشم (١١٠٧ هـ)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة، ١٣٧٤ش.
١٨. ابن قولویه القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن، کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ١٣٥٦ق.
١٩. الصفار القمی، محمد بن الحسن (٢٩٠ق)، بصائر الدرجات، تهران، منشورات الاعلمی، ١٤٠٤ق.
٢٠. الاسترآبادی النجفی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم، مدرسه الامام المهدي علیه السلام، ١٤٠٩ق.
٢١. الکوفی، فرات (٣٠٧ق)، تفسیر فرات الکوفی، محقق: کاظم، محمد، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، ١٤١٠ق.
٢٢. مفید، محمد بن محمد (٤١٣ق)، الإختصاص، محقق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرندی، محمود، قم، المؤتمر العالمی للافیة الشیخ المفید، ١٤١٣ق.
٢٣. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (١١١٢ق)، تفسیر نور الثقلین، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم، اسماعیلیان، ١٤١٥ق.
٢٤. الطبري الصغير، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، الناشر: البعثة، ١٤١٣ق.

٢٥. اليزدى الحائرى، على (١٣٢٣ق)، الزام الناصب فى اثبات الحجه الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف ، بيروت، موسسه الاعلمى ، ١٤٢٢ق.
٢٦. الخزاز القمى الرازى، الشيخ ابوالقاسم على بن محمد بن على (قرن٤ق)، كفاية الأثر، فى النصوص على الأئمة الإثني عشر، ١٤٠١ق.



انتظار فرج، یک عمل است.

یعنی مقدمات فرج و ظهور را با عمل فراهم نمودن.
اگر برای ظهور باید آموزش دید، آزموده و خیره شد، تمرین
کرد، کادر سازی نمود و یا باید مبارزه کرد؛ همه منتظران
باید در دایره فردی، گروهی و حکومتی آن را انجام دهند.

سازمان فرهنگی و تبلیغی
مسجد آروشن

www.dla.ir